

استدلالیہ
مختصر صدر لفظ دور



P.O. Box 1309
Bundoora, Vic. 3083
Australia
Email: cpnykd@tpg.com.au

استدلالیہ

مختصر صدر لقمہ دور

ناشرہ مؤسسہ سچری پریس - طبرزن استراليا

۱۶۰ بديع ۲۰۰۳ ميلادي

شماره بين المللي ۷۹۸-۹۸۷-۸۷۵۵۹۸-۱

لمران حضرت صدر الصدور علیه بهاء الله الالهی

هو الله

ای حاتمہ حدیقه بقا امته البهائم وارو با بشارت عظمیٰ و زبانی گویا و دیده گریان
و قلبی پرورج و در بیان شب و روز شامی یاران ایران گوید و ستایش آن
آن یار مهربان فی الحقیقه منقون با تان می شاق است و همچون پکان
ازادگان چون ذکر شما نماید از فرج و سرور مانند برق بخندد و بمشابه ابر بر گرد بگوید
آن یاران بجان دل عاشقان حال بهاء هستند و اشفگان آن روی در با
و پیشان آن موی مشکبار از نار محبت الله شعله و رند و از شدت اعطای
پرده در میدان فداجان نشاند و در قرابگاه عشق آغشته بخون دل سراز
تا سراسر ازند جان دهند تا بجانان رسد بی سرو سامان شوند تا در سیاه

شجره مبارکه بیا ساینده خانمان بباد دهند تا آواره کوی حق شوند باری امته^{لجها}
 بارنی خلی اردوستان ایران اضی و شب و روز ستایش منمود حال با
 غرب شتافت تا از آنجا دوستان اجبای شرق بکشاید تا آتش عشق
 حال ابی شعله زند و قلوب اینفحات بقدرس مؤانس نماید شور و لوی در افتد
 و لوله و آهنگی بلند گردد و دعا کنند که موفق و مؤید شود رساله شمار این
 تقدیم نمود تا بحال آنی فرصت نیافتم که مطالعه نمایم ولی او هر روز اصرار
 نمود و رجای خواندن آن رساله میکرد انشاء الله در این چند روزه که
 اجبای مسافین اردو این نمایم قدری فرصت بدست آید و بقرائت
 آن رساله پردازم جمیع یاران الهی را تحیت مشتاقانه برسان و علیکم
 البهاء الابھی ع ع

فی سیزدهم شهر محرم الحرام ۱۳۲۵

مقدمه باشد

از مشایخ اهل علم بهائی که ایمان او بامر مبارک و قیام او بخدمات و حاشیه عیدیه مهمه از
 و تعلیم و تالیف و همچنین صعود او بملکوت ابی در دوره پیشانی واقع شده است جناب
 سید احمد موسوی بهائی ملقب بصدر العمار و صدر الصدور است یکی از آثار این سید
 جلیل القدر که پس از وی در جامعه امر بهائی در ایران مانند سنت سنیهای محفوظ مانده
 و امروز بهترین یادگار آن وجود بزرگوار در جمیع اخبار و ابرار بشمار میآید تا سیس حوزه درس
 تبلیغ برای تعلیم اصول و فروع استدلال و اثبات حقیقت امر بحال ذی الجلال و جلال
 بهائی و خواستاران معارف و حانی است صدر الصدور بسبب ابداع این ستر
 جلیل مورد کمال عنایت مرکز میثاق بحال ابی موهلی الوری عبدالبهاء علیه آلاف التحية
 و الثناء قرار گرفت در طی الواح عیدیه این خدمت برضیه را بطلم سحر ششم خود ستودند
 و در لزوم حفظ حوزه درس تبلیغ تاکید بلیغ نمودند و پس از صعود وی در زیارتنامه ای که
 بیاد او نازل شد باین سبب کوشش کرده فرمودند او را المومنین لهدیس التلخیص بینه

دیگر از آثار نفیسه او تألیف و کتاب استدلال بآیات و احادیث و اخبار است
۱- کتابی که از ابناام «لمعات خمس و تجلیات شمس» مسمی داشته و تألیف آن بدروس
خوزه تدیس فرمته گماشته است. از این کتاب مفصل و نسخه خطی بدست آمده
ولیکن فرصت انتشار آن تاکنون دست نداده است.

۲- کتاب حاضر که تألیف آن در سنه ۱۳۲۴ هجری قمری یکسال قبل از صعود او اختتام
یافته است. این کتاب چنانکه در مقدمه خواننده آن تصریح شده خواهش دهن از یاران
غرب تألیف گردیده است. این دهن جناب بیپولیت در یفوس فرانسوی و زینه
محرره اش خانم کلینفور با زنی امریکائی بوده اند که در اصل یکی از انان انتساب بدینت
کلمی داشته و دیگری متدین بدینت مسیحی بوده است پس از تشریف تصدیق
دیانت حضرت به الله بقصد زیارت موطن مقدس آن حضرت بایران آمده و در مجمع
اجتای طهران حضور یافته و برای تکمیل معلومات و حافی خود خواستار شده اند که با معارف
اسلامی نیز آشنا شوند و طریق وصول از دین بسین اسلام با مریدع بهائی را بیاموزند.

جناب صد الصدور در اجابت این مسؤل بتالیف این رساله مبادرت فرموده
و خلاصه ای از دلایل نقلیه با استناد بآیات قرآنی و احادیث اسلامی در اثبات
امر اعظم فراهم آورده و این مجموعه را بان دو دست عزیز اهدا نموده است.

این کتاب مشتمل بر یک مقدمه و دو مقصد است :

مقدمه در بیان طریقه نقل آیات و روایات و کیفیت استدلال بدانهاست. رأی
مؤلف در این باب که در غایت اتقان و اعتبار است این است که نه استدلال
بآیات بدون اتکا بر روایات صحیح است، زیرا که موجب تفسیر برای عدول از
منهج صواب و تاویل تشابهات میشود، و نه استشهاده بر روایات بدون تطبیق آنها
بر آیات مجاز است زیرا که لال صحت احادیث شریفه الطباق آنها بر آیات کریمه است
از همین و هرایه ای الی ذکر نموده با ابد و خبر معتبر از طریق تشیع و تسنن و یا رجوع بکتب
تفاسیر یقین تشریح کرده هر خبری را که نقل فرموده بر یکی از آیات بهرات منطبق
داشته است.

مقصود اول در اثبات حقیقت باب عظم نقطه اولی عزائم الا علی الی الله صلی

که از جمله آنها اصل چهارم خود شامل پنج فصل و اصل پنجم حاوی سه فصل است

مقصود دوم در اثبات امر جمال قدم جل ذکره الا کرم مشتمل بر پنج اصل که از جمله آنها

اصل سوم در چهار فصل و اصل چهارم در سه فصل و اصل پنجم در پنج فصل آمده است

این کتاب بخط شخص مؤلف تاکنون در آثار بهائی در جوامع مقامات تبرک علیا

محفوظ بوده و اخیراً نسخه ای از سواد عکسی آن باین بجهت عنایت شده است که آن

قسمت عمده آن با عکس برداری از خط مؤلف بمنظور حفاظت از فاو زوال

و برای استفاده خواص اهل کمال بقصد محدودی منتشر میشود

لوح مبارک حضرت عبدالباقی جل شانه خطاب بجناب صدرالصدور که در ضمن آن

اشاره بوصول همین کتاب حاضر توسط امه الله کلینفور دانی بحضور مبارک فرموده اند

در صدر کتاب مندرج شد تا ملاوت آن موجب ابتهاج و استبشار گردد

بجهت بی تصویب تالیفات امری

طهران بواسطه حضرت علی البر علیه بحب الله انشاء شد

هوالله

ای ایادی امر الله از قبل من با جمعی از اجبار الله این زیارت در مرقه مطهر آن مشتمل

امر الله در یوم مخصوص قرأت کرده و این زیارت را در میان جمیع اجبار انشاء

ع ع

زیارت حضرت صدرالصدور من اذک لعلی ربه فی حقیقه استرور

وَصَعَدَ إِلَى مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّ الْعُزُورِ

هوالله

التَّوَرَاتِ سَاطِعٍ مِنَ الْمَلَأِ الْأَعْلَى الشَّعَاعُ اللَّامِعُ مِنَ الْمَكَلُوتِ الْأَبْنَى عَلَى مَرْقَدِ الْمُنِيرِ

وَرَسِيكَ الْمُطَهَّرِ وَرَأْسِكَ الْمُعْطَرِ أَيُّهَا الْمُؤْمِنِينَ يَا بَنِي آيَاتِهِ وَالْمُدْقُ الْكَلِمَاتِ وَالنَّاسُ

لِنُجَاتِهِ وَالكَاشِفُ لِأَسْرَارِهِ وَالتَّاطِقُ بِعَنَائِهِ وَالدَّاعِي إِلَى الْمَكَلُوتِ وَالتَّخَاضِعُ بِحُجْرَتِهِ

أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِنْتَ بِيَوْمِ الظُّهُورِ وَأَنْتَ شَرِيفٌ مِنْ سِرَاجِ التَّوَرِ وَشَرِيفٌ مِنْ كَلِمَاتِ

مزاها كافور ودخلت في حديقته السرور واخذت من فضل ربات الشيب المور
وترتبت في صدر الصدور ودعوت الى الله وهديت الى سبيل الله واقمت
البرهان واظرت الحج اعاطته على فقص ربات الرحمن وربيت نائمه من الفتيان
بمعارف ربات كل وج وريحان وسقيتم كأس العرفان وبتتم في حجر الاطمينان
الى ان انظمتكم بالبرهان لعسر الله بذابحته نورانية تشرتى انوارها على القرون
والاعصار ونهر انارها الى ابد الازهار لانك انت المومنين رديس لتبلغ
علمت النائمه الناجحه البرهان البليغ لعز الله ان القلوب احترمت والصدور
قد حشرت والنفس قد تغرعت بصعودك وغرحت الى ملكوت البقاربا
حرم المستمعون عن اسمع كلامك والبصرون عن مشاده حمالك والطالبون
يلتقي بيابك وكلهم يسبون الكف الضراعه والابهال الى ملكوتيه اجلال ومركر اجمال
ويطلبون لك قرب انوار الى الرحمه الكبرى والدخول في حديقته العلياء والخلود
في الفردوس الاعلى والوصول الى محفل اللعاب في ظل سدره المنشئ والشجرة القصى

ان بك يويد من يشا على ما يشا انه للمو المعطى القومى القدير طوبى النفس
تمر عليها نفاث مطرة من مزقك المنور وتطلب الفلاح والتجاح بالدهاء الى
في مضجعات المشهورين بي ايضا عفا اجر من قصد حضرت حول قبرك
المنور واستنشيت احده المنك الادور من ذاك التراب الاطر وعليك
والشاره عليك الرحمه والفران عليك الفضل والعطا الى ابد الابد من
ربك الاعلى ع ع

بِسْمِ رَبِّنا اَلْهِمِّيْ اَلْاَهْمِي

ق
اَحْمَدُ سِدِّ الدِّي زَيْنِ الْاَفَاقِ بِطَرَارِ الْمِشَاقِ وَقَلَّبَ قُلُوْبَ اَحْبَابِهِ اِلَى سَطْرِ الْوَقْفِ
وَنُوْرٍ اَمِيْدَتِهِمْ بِبُورِ الْاِتِّحَادِ وَالْاِتِّفَاقِ وَمَحِيْمِنِ الْكُلُوْبِ اَشَارَ النُّقْضِ وَالنِّعَاقِ وَرَفَعَ
سُلْطَانَ الْعَمَلِ مَكَامًا عَلِيًّا ذَلَّتْ لَهْ الرِّقَابُ وَخَضَعَتْ لَهْ الْاَعْنَاقُ وَالنَّجِيَّةُ
وَالْبَسَاءُ وَالنُّوْرُ وَالنُّشَاءُ عَلَى اَوْلِيَايِهِ وَاَدِلَّاهِ وَاَضْفِيَايِهِ وَاوَدَايِهِ وَايَادِي اَمْرِهِ وَبَسَلْنِي
رَسَالَتِهِ بِدُوْرِ اَفْقِ الْعِرْفَانِ وَبِحُجُومِ سَمَوَاتِ الْاِيْقَانِ الَّذِيْنَ بِهِمُ اَنْتَظِمُ اَسَاسَ اَسْمَائِهِ
وَالرِّفَاقِ وَاَنْتَظِمُ اَرْكَانَ الْاِطْلَامَةِ وَالنِّفَاقِ .

پس از نعت و ستایش پاک یزدان و ثنا و نیایش مرکز عهد و پیمان معروفین

که روزی این ذره فانی را در محلی نورانی گذر افتاد و شرف ملاقات جمعی از اولیا،
 رحمانی دست داد بعد از تقدیم وظائف نیتی و فنا و اظهار اسم تحیت و ثنا،
 سخن از هر گونه مطالب امریه و نکات عرفانیه سر کردند و سر از نشاء صهبای
 معرفه الله گرم نمودند صد و نسیره منشرح گشت و قلوب نورانیه بوجد و نشاط
 در این میان بعنوان تفقد این معدوم رومی مبارک دو نفر انفس مقدسه ربانیه
 چنین مقتضی گردید که فانی در مقام اثبات امر نقطه اولی و جمال اقدس الهی
 عَلَّكَ لِرَبِّهِمْ الْأَعْلَى و قِيَامَ مَنْ قَامَ بِالْبُيُوتِ الْكُتُبِ حضرت سلطان عهد
 عبدلهاء رُوْح مَنْ فِي الْمَلَكِ الْمَلَكُوتِ لِبُيُوتِهِ وَمَطْلُوبَتِهِ الْفَدَا مختصر مجموع
 از آیات و روایات اسلامیته ترتیب دهد.

باینکه فانی خود را بهیچوجه فارس این میدان و در خور این عنوان نمیدید چون اطاعت
 حضرتش را بر خویش فرض میدانست لهذا إِنَّمَا الْأَمْرُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ جَمْعِ این جلا
 سبادت و زریه لیکن در هر بحث بملاحظه و جارت و اختصار بدگر یک خبر از طریق

شیعه و حدیثی بطرق اهل سنت و جماعت اقتصار شد جز در بعضی موارد که یک یا
 بجهت درک مقصود کافی نبود باچاره مضمون خبر دیگر نیز اشاره نمود تا با یکجا از مغلطه
 است مؤدی نگردد و قبل از شروع بمقصد و مرام تقدیم مقدمه بنظر واجب میبود
 تا طریق فهم آیات و تمیز صحت و سقم روایات واضح و مشکوف شود باین لحاظ
 مندرجات ساله را بیک مقدمه و دو مقصد محصور و مقصور نمود.

مقدمه در بیان طریقه عمل با آیات و روایات معلوم با دله آیات قرآنیته بدو
 منشعب است محکمات و تشابهات زیرا آنچه مستنی باصول و اساس دین اسلام
 است اقبل عقائد و احکام محکمات کتاب است آنچه راجع بقصص و اساطیر
 و علامت پیمبران گذشته و احم ماضیه اشراط ساعت قیامت و نظائر آنها است
 از تشابهات محسوب و ماخذ کلمه تشابه از شبه و مشابهت است وجه مناسبت
 آنکه تنزیل آیه عنوان بی مطبی است تا و بلیش بیان مقصد دیگر مثلاً در ظاهر شمس
 و قمر مذکور است و در باطن نبوت و ولایت از وی منظور یا تنزیل شرح حال موسی

و فرعون است تاویل اشعاری بسوا اعمال سفیانی در حق مهدی موعود و در
 حقیقت تشابهات بنقص آن منحصر است نخست بذات احدیه که در یوم
 ظهور پرده از روی بیانات آسمانی بر میدارد و سپس بمطابقت صمدانیه و مطالع
 رحمانیه که در انجمن در علمند و بجاتین بیانات الهیه واقف و عارف چنانکه در
 (۵) از سوره آل عمران میفرماید قوله تعالی هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ
 مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ
 زُرْعُ فَتَقَعُونَ مِثْلَ شَأْنِهِمْ فَمِنْهُمْ مُعْتَصِمٌ وَأُخَرُ مُشَابِهَاتٌ مُطَاعٌ
 وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَعْلَمُونَ مَا نُزِّلَ مِنْهُ مِنْ آيَاتٍ بِلُغَتِهِمْ
 أَوْ يُرَدُّ عَلَيْهِمْ لِيُحْجِجَ اللَّهُ بَيْنَهُمْ فِي الْعِلْمِ بَلَدَهُمْ وَ كَذَلِكَ
 نُبَيِّنُ الْقُرْآنَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ
 از اد آیات محکمات که اصول قواعد دین کتاب است قسمت دیگر تشابهات
 کسانی که قلوبشان از حق منحرفست تشابهات کتاب اسیروی میکنند تا در
 تاویل آیات خلق را بگفته در اندازند ولی جز خدای تعالی در انجمن در علم
 احدی را تاویل آیات تشابه راه نیست انتهى

در احادیث معتبره از اوصیای حضرت رسول علیه و آله و سلم فضل التَّحِيَّةِ وَ التَّنَادِ وَ
 است که فرموده اند نَحْنُ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ بِسُنَنِ رَسُولِهِ وَ الْعِلْمُ رَاسِخٌ وَ الْعِلْمُ
 وَ آيَةُ (۵۱) اِنْ سَأَلْتُمْ عَنِ السَّيِّئَاتِ فَسَأَلْتُمْ لِسَانَ الْمَلَأَ الْبُؤْسَ
 يَوْمَ نَأْتِي تَأْوِيلَهُ لِيُخْبِرَ الَّذِينَ كَفَرُوا بَأْسَهُمْ فِي مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ
 بر مردم مشکوف میگردد انتهى - اصریح این بیانات متحقق میشود که فهم معانی و حقیقت
 قرآنیه مولود است در این کور عظیم باقتباس از اشکات انوار شمس حامل حرم
 نیر سما و عهد و پیمان در متن اسلام بتفا سیری که از حضرت رسول و اوصیای
 آن بزرگوار وارد گردید چنانکه حضرت باقر علیه الطیب البهار بقصده بنوعی
 که نقیه اهل بصره بود مسفی باید و حکایت یا قیاده ان کنت ائما فتمت القراء
 من تلقا نفسك فقد بليت و اهلكت ان کنت قد فتمت من الرجال فقد
 بليت و اهلكت و حکایت یا قیاده ائما يعرف القرآن من فخطب به
 حدیث طولانی است از آن جمله میفرماید ای قیاده تو عالم اهل بصره و شنیده

آیات کتاب را تفسیر میکنی اگر از پیش خود یا بر حسب آراء مردمان تفسیر قرآن
 نمائی هر آینه خود و خلق را بهلاکت اندازی بهمانا معرفت قرآن حق کسی است
 که طرف خطاب بوده و بر او نازل گردیده است انتهى مجمل در کور محمدی اعتبار
 بتفسیر و تاویل احدی از علماء و مفسرین نیست جز اینکه حدیث معتبری مؤید باشد
 ولی از آنجا که احادیث موضوعه در روایات اسلام فراوان است و باین سبب
 غالب اخبار بایکدیگر متناقضند لهذا شخص صدق و کذب و میر و صحت
 و سقم اخبار بمواقت کتاب منوط و مربوط گردیده چنانکه در حدیث معتبر نبوی وارد
 است ان رسول الله قال انه سئذت عنی کماله علی من کان قنبی فما جاءکم
 عنی من حدیث وافق کتاب الله فهو حدیثی و ما خالف کتاب الله فليس من حدیثی
 رسول خدا علیه الطیب البهار فرمود زود باشد که دروغها بمن نسبت دهند چنانکه
 به پیغمبران گذشته نسبت دادند از این روی هر خبری از من بشمارد این کنند
 اگر با قرآن موافقت نمود بدانید حدیث از من است وگرنه اورا گفته من ندانم

و در کتاب مسائل از حضرت صادق علیه السلام روایت شد
 قال اذا وردت علیکم حدیث فوجدتم له شاید امین کتاب الله او من قول رسول الله
 والا فانه منی جائز به اولی به و قال ما لم یوافق من الحدیث القرآن فهو من غیر
 یعنی آن حضرت فرمود چون شمار حدیثی از ما عرضه نمایند اگر او را شاهدی آرا
 و آیه یا روایات نبویه یافت شود مقبول است الا خود داری با و سزاوارتر است
 (یعنی بخود او رد کنید و قبول ننمایید) و فرمود هر حدیثی که با قرآن موافق نباشد
 باطل است انتهى بر حسب این تأسیس متین در مورد استدلال آیات
 در روایات هر دو لازم است و تطابق هر یک با دیگری امری بس قهیم زیرا حدیث
 بسین آیات است و موافقت کتاب مثبت صحت روایات چون در مورد
 موافق یکدیگر باشند راه شبهه مسدود و حجت از هر حیث مانع و کامل گردود.

مقصد اول

در بیان اثبات قائمیت حضرت نقطه اولی صل الله علیه و آله و سلم و شرح حال
خود و اصحاب و خلفاء آن حضرت علیهم اجمعین و اهل البیت و اهل التَّحِیَّة و التَّسَاءُل
و در پنج اصل نگاشته میشود.

اصل اول

در ذکر اخباری که دال است بر قائمیت جوانی از بنی هاشم و اولاد فاطمه که در
آخر الزمان متولد میشود و در صغرسن و عنفوان شباب اظهار میفرماید در صفحه
(۳۲) بحار الانوار از کتاب کمال الدین صدوق که از اعظم علماء شیعه است
نقل شده عن ام هانی الثقفیه قالت عدوت علی سیدی محمد بن علی الباقر
قلت له یاسیدی آیتنی فی کتاب الله عرضت لقلبی اقلقتنی و انشئت فی قال
فاسألی یا ام هانی قالت قلت قول الله عزوجل (فلا أقسم بالنجف اللیس^۱

قال نعمت المسأله سألتنی یا ام هانی نذا مولود فی آخر الزمان هو المهدی من
بذره العتره یلون له خیره و عنیه یصل فیها اقوام و یتهدی فیها اقوام فیاطوبی لک
ان اولادک و یاطوبی من اولادک ام هانی ثقیفه که از محدثات محترمه از اصحاب حضرت

۹

امام محمد باقر علیه اطمینان است روایت نموده که وقت صبحی خدمت
مولای خود مشرف شدم و عرض کردم آیه از قرآن بقلب من غرضه شده که
خواب از چشم من رفته و مرا مضطرب گردانیده فرمود سوال کن عرض کردم
فرمایش خدای تعالی که میفرماید سوگند میخورم با آخرین ستاره که در جوار یکدیگر
از عالم غیب بعرضه ظهور می کنند فرمود چه نیکو مسأله سوال نمودی مقصود
از این آیه مولودی است که در آخر الزمان متولد میگردد اوست مهدی از این عترت
طاهره و در ظهور او حیرت غیبی واقع خواهد شد که قومی همراه میشوند و قوم دیگر بدست
میایند خوشحال تو اگر در کنی آن ایام را و خوشحال کسی که بدرک الزمان با
گردد و در صفحه ۱۷۵ از کتاب الغیبه نعمانی نقل شده عن ابی عبد الله انه قال و ان

عَظُمَ النَّبِيُّ أَنْ يُخْرِجَ إِلَيْهِمْ صَاحِبَهُمْ شَابًا وَنَحْوَهُ شَيْخًا كَبِيرًا حَضْرَتِ صَادِقٍ عَلَيْهِ
 أَرْكَى الثَّيْبِ وَالشَّامِ مِيفْرَايِدِ بزرگترین بلیه از برای خلق در یوم ظهور قائم است
 که ظاهر شود صاحب امر در سن جوانی در حالتی که مردم او را پیر و سن گمان مینمایند
 حافظ ابو نعیم اصفهانی که از بزرگان علمای سنت و جماعت است چهل حدیث
 نبوی در امر مهدی موعود از اخبار معتبره انتخاب نموده از آنجمله در حدیث ۳۷ روایت
 نموده با سند او عن قیس بن جابر عن ابيه عن جده ان رسول الله من قال سكون
 بعدى خلفاء و من بعد اختلاف امراء و من بعد الامراء ملوك جبارة ثم يخرج جليل
 بيتي ميلا الارض عدلا كما كنت جورا يعني سند روایت بقیس بن جابر منتهی میگردد
 و او از پدر و جد خویش روایت نموده که رسول خدا علیه الطیب و البهاره از کی ایشان
 فرمود پس از من در آغاز امر خلفا ظاهر میشوند و بعد از خلفا امراء می آیند و پس ریا
 اسلام بسلاطین مستقله منتهی میشود و در انجام شخصی از اهل بیت و ذریه من ظاهر خواهد شد
 که عدالت را در عالم جاری مینماید چنانکه قبل از او ظلم جهان را فرو گرفته باشد شاید این
 خلا

۱۰

در قرآن آیه ۱۳ از سوره مریم است که درباره حضرت یحیی نازل گردیده و قوله تعالی
 و اتیناهم احکام صبیبا یعنی در صغر سن حضرت یحیی علیه الطیب و البهاره حکمت
 و نبوت موهبت فرمودیم و در آیه ۱۵ مینماید و سلام علیه یوم ولده و یوم مموت
 و یوم تبعث حیة یعنی سلام بر آن حضرت با یوم ولادت و شهادت آن بزرگوار
 و روزی که دوباره زنده مبعوث خواهد شد.

۱۱

مقصود از رحمت حضرت یحیی ظهور نقطه اولی اصل آئینه الهی است چنانکه در کتاب
 حضرت مسیح صلوات الله علیه و آله رحمت ایلیا بطور یحیی محقق گردید و در کتاب اصول کافی
 از امام محمد جواد علیه السلام روایت شده که مینماید ان الله اخرج فی الامة
 نبیلا ما اخرج به فی النبوة فقال و اتیناهم احکام صبیبا یعنی خدای تعالی همان
 قسم که در نبوت امام حجت فرمود و حضرت یحیی را در صغر سن مبعوث فرمود همین
 قسم در امامت نیز این سنت الهیه را جاری مینماید و شیخ مفید علیه الرحمة که از
 بزرگان علماء اسلام است در کتاب ارشاد در امر قائم موعود مینماید اماه الله فی
 الحکمة

وَفَضْلِ الْخُطَابِ بِجَعْدِ آيَةِ الْعَالَمِينَ كَمَا أَنَا سَيِّدٌ صَبِيًّا وَمِنْ فَرَايِدِ جَائِثِ بَدَلِكَ الْإِبْرَاهِيمِ
 یعنی اخبار معتبره در این باب وارد است که خدای تعالی در صغرسن بقائم موعود
 حکمت و داوری موهبت خواهد فرمود و آن حضرت را بر تمام عالم حجت قرار میدهد
 چنانکه حضرت یحیی را در صغرسن باین تبه اختصاص داد و شیخ کمال الدین ابوسلم
 محمد بن طلحه شافعی از بزرگان علمای سنت در کتاب الدر المنظم در حق قائم موعود میفرماید
 أَنَا اللَّهُ فِي حَالِ الطُّفُولِيَّةِ الْحَكِيمَةِ وَفَضْلِ الْخُطَابِ يَعْنِي خَدَائِمِي تَعَالَى قَائِمِ مَوْعُودِ
 در سن طفولیت حکمت و نبوت و داوری خلق موهبت میفرماید.

اصل دوم

در ذکر اخباری که مشعر است بر تعیین اسم آن بزرگوار که (علی محمد) عَلِيٌّ مُحَمَّدٌ
 النُّورِ وَالنَّهَارِ وَالطَّيِّبِ النَّجِيِّ وَالشَّامِ أَسْتَدْرَجْتُ فِيهِ (۲۲۰) بَحَارَ الْأَنْوَارِ الْكَتَابِ ۱۳
 منتخب البصائر که از کتب معتبره علمای شیعه است نقل شده از خطب امیرالمؤمنین
 عَلِيٍّ التَّلِيمِ که بعد از نبوت ظهور قائم میفرماید فِيهِ تَفْصِيلٌ وَتَوْصِيلٌ وَتَسْوِيلٌ
 الْأَسْمَاءِ الْأَعْلِيَّةِ الَّذِينَ جَمَعُوا جَمْعًا لَا يَصْلَحَانِ إِلَّا مَعَا سَمِيَّانِ فَمُعْرِفَانِ
 وَتَوْصِفَانِ فَمُجْتَمِعَانِ یعنی در او است تفصیل و توصیل و بیان دو اسم اعلیٰ که
 در او جمع شده و مجتمع گردیده اند صلاحت است از بد خبر باید گیر نام نهاده میشوند و شناخته
 میگردد و باید گیر وصف شده و مجتمع خواهند شد فاضل مجلسی در شرح خطبه نوشته
 مقصود از اسمین اعلین محمد و علی است یعنی این دو اسم در مهدی موعود مجتمع میشوند
 و عبارت (فیه تفصیل و توصیل) اشعار لطیفی است باینکه اجتماع این دو نام گرامری
 در نقطه اولی بتقدیم اسم علی خواهد بود چه که در تفصیل بمعنی جدا کردن است و توصیل

وصل نمودن حاصل مرام این است که این اسم از ترتیب سابق خود که تقدیم محمد
 بود بر علی تفصیل میشود و در قائم بخود یکدیگر متصل میگردد و علی مقدم خواهد شد و در کتاب
 شرح گلشن راز تألیف حکیم عارف شیخ محمد لاهیجی حدیث معتبری از کتب علمای
 نقل نموده عن النبی قال المهدی من عترتی یوالی طی اسمیه اسمی و کنیته
 کنیتی یعنی مهدی از عترت من در ای دو اسم است که عقب در میآید یکی از
 آن دو نام رانام من و کنیه او کنیه من است و در میان آنها نامی که مرکب
 از دو اسم و آخرین آنها محمد باشد اولی و نسب از اسم علی محمد نیست چه که بر
 اسامی دیگر باین نحو مستحسن نخواهد بود شاید این اخبار در قرآن آیه (۱) سوره التّو
 است قوله عربیانه جمعش كذلك یوحی الیک فی الی الذین من قبک
 الله العزیز العظیم یعنی ای رسول گرامی بسرا این حروف عالیّه در مرکز کرم خداوند عزیز
 حکیم پیش از توبه پیمبران سپس بتوحی فرمود انتمی از این حروف مقدسه
 سال ظهور نام مبارک قائم موعود استخراج میشود زیرا ق اشاره بقائم است

۱۴

۱۵

دس اشاره بستین و ع اشاره بعلی و حم اشاره ب محمد و حاصل حروف مرموزه این است
 (قائم استین علی محمد) یعنی قائمی که در سال شصت قیام میفرماید علی محمد است
 مؤید این بیان احادیث اوصیاء حضرت رسول علیه السلام طیب التّحیة و النّسب است
 چنانکه در تفسیر صافی که از کتب معتبره اسلام است در اوّل سوره الدخان از حضرت
 کاظم موسی بن جعفر سلام الله علیهما روایت شده در معنی حم آیه سأل نصرانی عن
 تفسیر هذه الآیة فی الباطن فقال انا حم فهو محمد یعنی شخصی مسیحی تفسیر حم را از آن حضرت
 سؤال کرد پس مود عرض از او محمد است بحرف مختصر نازل گردیده در جهان تفسیر
 صافی اوّل سوره الشوری در معنی جمعش از حضرت باقر محمد بن علی سلام الله علیهما
 روایت شده که میفرماید هر حروف ک من اسم الله الاعظم المقطوع یولفه الرسول
 و الامم فیکون الاسم الاعظم الذی اذا دعی الله به اجاب یعنی این حروف زمری است
 از نامهای بزرگ خدا که بحرف مقطعه نازل گردیده مرکب است از نام رسول و امام
 و اسم اعظمی است که چون خدا ای را بان دو نام بخوانند اجابت میفرماید انتمی

مقصود از نام رسول محمد و از نام امام علی است و از ترکیب این دو اسم سامی نامی
 نقطه اولی اصل آئینه الاغلی استخراج میشود که بر مخرج م ح نازل شده و ایضاً
 آن حضرت میفرماید عشق عدو سنی القائم یعنی از اخرواف سال ظهور قائم استخراج
 میشود و بموجب این حدیث ق بقائم و سستین اشاره خواهد بود زیرا شاه
 س بحروف جمل شصت است و نتیجتاً این اخبار موافق است با استخراجی
 که از قبل مذکور گردید.

۱۷

اصل سونم

در ذکر اخباری که مشعر است بر تعیین سال ظهور که موافق است با تاریخ یکم هزار و
 شصت هجری در کتاب خزینة الجواهر که از کتب معتبره اسلام است از
 حضرت رسول علیه اطمینان الهی روایت شده قال لنسبی سألت
 عن نبی عز وجل اخبرنی عن قیام القیمه می ہی فقال تبارک و تعالی یا حبیبی
 بعد الف و مائین و عشر سنه من هجرتک یخرج فی الدنیا و یملأها
 ظمأ و جراً و فی الف و مائین و عشرين سنه بعد لا ینقی العلماء و لا یسمع الجماعه
 و فی الف و مائین و ثلاثین سنه بعد لا یطر من السماء مطر و یزول البصائر بنیک السماء
 و الرزق و یرزل الطوفان و یحرب البلاد من بعد المطر و فی الف و مائین و خمسین سنه
 بعد لا یطر من السماء و یمیکد کثیر من سجون الانس و یرزل البکارات من النساء فی
 الف و مائین و ستین سنه بعد لا یغض القیل و الله جلته و الفرات حتی لا یرزق الناس
 شطاً و ینزل دابة الارض الی اخر الحدیث خاتم نبیاً علیه افضل التحیه و التهنیه

میفرماید سوال کردم از خدای عزوجل که در چه زمان قیامت واقع میگردد و حتی بار
 و تعالی فرمود اجمی حبیب من پس از انقضاء هزار و دوست و ده سال از
 هجرت تو قاتل جدال در دنیا بسیار میشود و زمین اظلمت ظلم فرو میگردد و
 هزار و دوست و بیست سال بعد از هجرت علماء دین از میان میروند و جمعی
 بیک جبهی مجتمع نمیکردند و بعبارة آخری نور اتحاد از جماعات اهل میشود و در آن
 دوست و سی باران شدید و طرگی چون تخم مرغ خواهد بارید که حیوانات اهل
 میکند و زراعتهار افساد میگردد و سیل طوفانی ظاهر میشود که شهرها را ویران
 و در هزار و دوست و پنجاه باران بلا از آسمان میبارد و بسیاری از جن و انس
 هلاک میشوند و در آن عفت و شیرگان بگن بی عصمتی آلوده میگردد و در هزار و دو
 شصت سال بعد از هجرت نقصان آب نسل و جده و فرات بحدی میرسد که
 نمیتوانند در ساحل آنها زراعت نمایند و ظاهر میشود آن سیکه از ارض شریعت
 اسلام بجهت دعوت خلق حرکت خواهد فرمود یعنی قائم موعود روح ما سوازه فردا

۱۸ ۱۹

و سه اینکه در حدیث شریف از مهدی منظر (بداتة الارض) تعبیر شده است
 که آفتاب حامل نقطه اولی جل آنتم لا اعلی از افاق شرع اسلام طلوع نمود و ظهور مبارک
 آخرین ظهور است از عرب بنی هاشم و در صفحه (۱۵) حجاز از کتاب عیون اخبار
 الرضا روایت شده بطریق عامه از کعب الاخبار که از بزرگان علماء اهل سنت است
 از حضرت رسول علیه افضل التسلیم و التکریم قال فی اختلافهم اثنی عشر فاداکا
 عند انقضاءهم و الی طبقه صارت مداته لهم فی العمر کذالك و عد الله هذه الامة ثم
 (و عد الله الذین آمنوا منهم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف
 الذین من قبلهم) قال و کذالك فعل الله عزوجل بنی اسرائیل و لیس علی الله بعزیز
 ینجم هذه الامة یوما و نصف یوم (و ان یوما عند ربک کالف سنة مما تعدون)
 یعنی عدد خلفاء او بسیار حضرت رسول و از ده نور پاک و گوهر تابناک چون دوره
 او بسیار منتظنی گردد طائفه از صلحاء بمسند ولایت ریاست اسلام جلوس میکنند

و دوره زندگانی آنها طولانی خواهد بود این چنین وعده داده است خدا تعالی امت
 اسلامی را و این آیه را تلاوت نمود که خلاصه مضمونش این است خدای وعده
 داده است مؤمنین و نیکوکاران از شمار که خلافت بدو در زمین چنانکه پیشین
 را باین موهبت سرفراز فرمود و گفت خدای عزوجل درباره بنی اسرائیل
 هم این چنین کرد و بر خدای شوار نیست که مجتمع دارد این امت را یکروز یا
 روز دیگر و نزدیکتر و دورتر و کار چون هزار سال است از سنو تا سیکه شماره نماند آتی
 مبدایمقات این هزار بعد از انقراض دوره خلفا منصوص است که تا سال
 دویست و شصت هجری طول کشید چون بالف منضم شود مطابق باب اول
 لمور نقطه اولی حل فکرة و ناسا شاهد این اخبار آیه (۲۸) سوره اسبار است
 و یقولون متی هذا الوعد ان کنتم صادقین قل لکم مبعاد یوم لا تسأخرون عننا
 ولا تسقتون یعنی اعراب و امم سائر میگویند اگر در دعوی خویش صادق
 اهل امت اسلامی در چه زمان منقضی خواهد شد بگویمقات شما یکروز است و ساعتی

از او مقدم و مؤخر نشود آتی مقصود از یوم در این آیه هزار سال است چنانکه در
 حدیث شریف باین فقره اشاره شده شاید دیگر آیه (۴) سوره السجده است
 قوله تعالی یدبر الامر من السماء الی الارض ثم یفرج الیه فی یوم کان مقداره
 الف سنة مما تعدون یعنی تدبیر میکند و نازل میفرماید امر الهی را از سما مشیت
 بارض ابداع و ایجاد پس از آن عروج میکند بسوی او در روزیکه مقدارش شماره
 شما هزار سال است که مبدأ این مبعاد هم سال دویست و شصت هجری است
 که شریقه الله در این حدت توسط اوصیا منصوص نام الله بر شد و رسته امت
 منقطع گردید و سپس هزار سال شرع اسلام پاینده و برقرار ماند.

اصل چهارم

در بیان حالات آن حضرت و خ مایه فداه و در پنج فصل مرقوم میگردد

فصل اول

در ذکر اخبار که تعیین میکنند برای آن حضرت بعد از ظهور و غیبت را یکی
صغری که بکته رفته اظهار میفرمایند دیگری غیبت کبری که از او غیبت و
وحیرت تعبیر شده و مقصود آیام حبس آن بزرگوار است مدت آن شش
سال معین گردیده در صفحه (۱۴۳) بحار الانوار از کتاب غیبه نعمانی نقل شده
عن ابی بصیر عن ابی عبد الله قال قلت لابی عبد الله کان ابو جعفر یقول
تقام ال محمد غیبتان احدیها اطول من الاخری فقال نعم ولا یكون ذلك
حتى یخلف سيف بنی فلان و ترضیت حلقه و ظهر السفیانی و شد البلاء
(ابو بصیر روایت نموده که بحضرت صادق تبرین محمد عرض کردم بدر بزرگوار
میفرمود از برای قائم آل محمد و غیبت است آن حضرت فرمود بی چنین است

۲۲

ولی این دو غیبه واقع نخواهد شد مگر توسط شمشیرهای اولاد فلان (یعنی بنی
العباس) بمخالفت یکدیگر کشیده شود و ائمه اهل ایمان تنگ دل و

گردد و سفیانی طلع کند و خلق بشداید بلیا و محن دچار شوند) و بعبارة اُخری

۲۳

این دو غیبه واقع نمیکردد مگر بعد از ظهور زیرا آخرین علامت در حدیث

شریف خروج سفیانی را قرار داده اند و موافق اخبار معتبره طلع سفیانی و

ظهور قائم معارن یکدیگر خواهد بود چنانکه در صفحه (۱۶۵) بحار از همان کتاب

نقل شده که حضرت صادق علیه الطیب البهار فرمود السفیانی و القائم فی

سنة واحدة یعنی خروج آن ظهور این در یکسال اتفاق میافتد مقصود از سفیانی

حاج محمد کریمان کرمانی است از قائم نقطه اولی صل الله علیه و آله اعلی شرح این دو

غیبت هم در احادیث کثیره وارد گردیده چنانکه در کتاب (اصول کافی)

و بحار الانوار روایت شده و حاصل اخبار باین عبارت است انهما

یشهدان الموم فییری الناس و لا یرونه و در حدیث دیگر فرمائی الناس و یفهمون

وَلَا يُغَيِّرُ قَوْلَهُ ثُمَّ رُجِعَ مِنْهَا إِلَىٰ آيَاتِهِ وَالْآخِرَىٰ يُعَالِجُ بَلَاغًا فِي آيَاتِهِ وَسَلَكًا
 یعنی در یکی از آنها (و عبارتة از غیبی صغری که استدا در دانش اندک است
 آن حضرت در موسم حج بمکه میرود و خلق را مشاهده میفرماید و براتب و مقامات
 هر یک عارف و دانا است مردم او را می بینند و نمی شناسند و قایمست
 او را قبول نمیکنند آن بزرگوار از مکه بسوی شهر و کسان خویش مراجعت میفرماید
 و غیبت دیگر که کبری است خلق در باره آن حضرت متحیر خواهند گردید و میگویند
 ندانیم که طریق سلوک میفرمود و او را کجا بردند زنده است یا متوفی گردید
 در حدیث اصبح بن نباته وارد است قُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلُوكُونَ
 الْخَيْرُ وَالْغَيْبَةُ قَالَتْ سِتَّةَ أَيَّامٍ أَوْتَيْتُهُ أَشْرًا وَسِتَّةَ سِنِينَ ابْتِغَاءَ صَبْغٍ يَلْبَسُهُ
 امیر المؤمنین علیه افضل التحية و الشنا عرض کردند مدت حیرت و غیبت
 چند خواهد بود فرمودش در یا ششماه یا شش سال انتهى سه فقره بیانات آن
 حضرت هم راجع بیک عنوان است زیرا سال اول کلمات انبیا و بیانات

۲۴

اولیاء اطلاقاتی است در این حدیث بهر لسانی بسط بیان شده چه در هر
 قرنی یکماه از سهور سنوی را شهر الله نامیده اند و در اسلام شهر صیام است
 و در تمام سال یکروز روزه است که صاحب عصر و سلطان آن عهد در آن
 ۲۵ یوم مبعوث شده و در تمام سنه یکروز یا یکماه آن اشرف از ما دون است و باین
 ملاحظه از شش سال (سه ایام) یا در سته شهر نیز تمیز فرموده اند چون در
 این مدت شش چنین روز یا شش خان باوش نیست و این دو فقره غیبت همین نحو
 که در اخبار مذکور شده واقع گردید نقطه اولی بل انتم لا اعلمی در ابتدا امر بمکه نشر
 برده الهما را فرمودند و خلق بمقامات آن حضرت عارف نشده قبول
 او را نمودند و از آن سفر بشیر مراجعت کردند و صیت امر در بلاد ایران مرفوع
 شد علماء اسلام شورش نموده دولت را بحسب آن حضرت داداشتند و شش
 سال مدت طول کشید اخیراً شهادت آن بزرگوار که استند در ایام سخن خلق
 کلاً متحیر بودند نه از امر مبارک اطلاعی داشتند و نه از محل حبس مستخضر بودند

و الهام حیرت میکردند که ندانستیم حق بود یا باطل و او را کجا بردند و فات نمود
 یا شهید و مقتول گردید شیخ محمد بن ابراهیم بخوبی انحراف انسانی المحدث الغیبی
 در کتاب فرائد السطین روایت نموده قال رسول الله صلى الله عليه وسلم
 ۲۶ انهم مني من لدی تلون له غيبته اذا ظهر من الاارض قسطا وعذلا كما ملئت حورا
 و ظلما یعنی رسول خدا فرمود چون مهدی از فرزند ان من ظهور نماید برای
 او غیبی اتفاق می افتد و در یوم او عالم بعدل و داد فرزند میشود چنانکه از نظم و جوهر
 شده بود و در صفحه (۱۶۱) بحار از کتاب الغیبه نعمانی نقل شده از کتب الاخبار چون
 حدیث طولانی است از نقل او صرف نظر نمودیم از جمله عبارات خبر این فقره
 است میفرماید ان القائم من لدی علی له غیبه کغیبه یوسف و رجحه که رجحه
 عیسی یعنی همانا برای قائم از اولاد علی علیه السلام غیبی است چون
 غیبت حضرت یوسف و جتی چون رحمت مسیح علیهم افضل الصلوة و التکریم
 و در حدیث نبوی شریف علیه که در کتاب الغیبه نعمانی روایت شده قائم ای

بحضرت ابیطالب میفرماید در حق قائم موعود روح ما سواه فداه یدخل الجبل
 و یخرج منه غیر ایتنیف جبریل و میکائیل یعنی مهدی منتظر را در نهایت خواری
 بگوئی وارد نموده توقیف میکنند و از حبس خارج کرده جز به تغزیری قیام
 ۲۷ نماید انتهى این فقره اخبار از حبس آن بزرگوار است در جبل مالک و همچنین حاضر
 نمودن به تبریز و با هر نظام العلماء تعمیر کردن نمودن با تده من مرویات
 النفس و الهوی شاید این اخبار در قرآن آیات شریفه سوره یوسف است
 كما قال جبر من قال (۵۸) نعرفهم و هم له مسلمون و قال ایضا (۳۵) ثم بد النعم
 بعد ما رآه الايات لیسجنه حتی صین و قال ایضا (۴۲) فلبث فی السجن
 بضع سنین و قال ایضا (۷) لقد کان فی یوسف و اخوته آیات للسلطان
 منحصر باین است که میفرماید در ایام سلطنت حضرت یوسف چون
 برادرانش بحضور مشرف شدند آنها را شناخت ولی ایشان او را شناخته
 انکارش نمودند و میفرماید پس از آنکه غیر مصر و بزرگان قوم از حضرتش مشاهده

نمودند بجهت شدند که او را زمانی محبوس دارند و میقات سخن به آن سال بالغ
 گردید یعنی در کتر از ده سنه منقضی شد و میفرماید همانا در مصایب یوسف قصه
 کید اخوان حجه آنان که در مقام تحقیقند علامی است آشکارا و در اخبار
 کثیره نظیر امر قائم در غنیمت صغری کبری قصه یوسف علیه الطیب لثنا
 مذکور زردیده و از آن جمله حدیثی است که در صفحه (۳۵) بحار از کتاب کمال الدین
 و عمل اشراغ نقل شده عن سید قال سمعت ابا عبد الله يقول ان فی القلم
 من یوسف قلت کانت تذکر غنیمه او حیرته قال لی و ما سیر من نذر ایزده الاله
 اشباهه انما یران احوه یوسف کما نوا اسباطا اولاد اشباها ما جرد یوسف
 و ما یسوه و ما یسوه و هم احوه و هو احوهم و لم یغرفوه حتی قال لهم یوسف انما یوسف
 الی ان قال فما سیر بده الاله ان یكون الله یفعل بحجته ما فعل یوسف ان یكون یسیر
 فی اسواقهم و یطأ بطونهم و هم لایسرفونه حتی یاذن الله عزوجل ان یغرفهم نفسده
 کما اذن لیسف صین قال هل علمتم ما فعلتم بیسف و اخیه اذ انتم جابلون

۲۸

۲۹

سید روایت نموده که شنیدم حضرت صادق جعفر بن محمد علیهما اندع الثور
 و البهار میفرمود در قائم شباهتی است بیوسف عرض کردم شاید غنیمت
 یا حیرت مان آن حضرت ابخاطر آورده اید فرمود که امیک از این دو
 سکنند این تمسکه در زشتی سیرت بخنیزر شباهت دارند همانرا در آن
 یوسف از اسباط و اولاد بسیار بودند که با آن حضرت تجارت دادند
 و کماله نمودند و با یکدیگر برادر بودند با وجود این او را نشناختند تا اینکه خود فرمود
 منم یوسف سپس بیانیاتی نموده و میفرماید چرا تماشای دارند این امت
 از اینکه خداوند در حجت موعود جاری فرماید شستی را که در حق یوسف جاری شد
 با اینکه حجت خداوند در بازار ایشان گردش کند و بساطشان قدم گذارد
 و مردم او را نشناسند تا خود آن حضرت اظهار فرماید چنانکه خدا
 تعالی بیوسف اذن داد زمانیکه بمضمون این آیه تکلم فرمود آیا امید اندید یوسف
 و برادرش کحل و نادانی خویش چه بسیار داشتید انستی مصداق این

در اخبار
 کثیره
 نظیر
 امر
 قائم
 در
 غنیمت
 صغری
 کبری
 قصه
 یوسف
 علیه
 الطیب
 لثنا

بیانات در حق حضرت اعلیٰ صلوات الله علیه و آله و سلم تمامه محقق گردید چه که آن حضرت
 قبل از بعثت با تجارت مشغول بودند و خلق عارف بمقامات و بزرگواری
 نبودند پس از بعثت شدن ابدا امر سایر خویش را مکتوم داشت
 و مخفیانه بکعبه هجرت نموده اظهار دعوت فرمود ولی مردم با نکارش پرداختند و بعد
 مراجعت از سفر بیت الله در شیراز بارشاد عباد قیام نمود و حزب طغیان که
 نقل آن حضرت بستند و از هر طرف بقتله و فساد برخواستند و عاقبت کجین
 اقدام کردند و غیبت کبری که بحیرت تعبیر شده محقق و سنت یوسفی تکمیل شد.

فصل دوم

۳۱ و یاد و یادوری نخواهد داشت در صفحه (۳۰) بحار الانوار از کتاب کمال الدین نقل
 شده عن ابن نباته قال سمعت امیر المؤمنین یقول صاحب الامر الشریع لطیف
 الفریذ الوحید یعنی اصبع بن نباته روایت نموده که شنیدم از حضرت امیر المؤمنین
 علیه السلام البها میفرمود صاحب این امر کسی است که پیروان و اصحاب او را
 از گردش متفرق میسازند و بطرد و منغش قیام میکنند و خودیکه و تنهایی ماصرون
 باقی میماند و در صفحه (۱۳۷) بحار الانوار از کتاب الغیبه شیخ طوسی نقل شده از سلمان
 که از بزرگان اصحاب حضرت رسول علیه السلام الطیب الثمیر و البها است و نزد علماء
 و جماعت نیز مسلم و روایاتش مقبول است قال لما دخل سلمان رضی الله عنه الکوفه
 و نظر الیه اذ لم یکن من بلاها حتی ذکر ملک بنی امیه و الذین من بعدهم ثم قال
 فاذا کان ذلک قالوا اخلصوا منکم حتی یطهر الطاهر بن الطاهر و اطهره و ابی العباس

الشريد الطريد سيفرمايد زمانی که سلمان وارد کوفه شد نظری بانجا نمود و بلايای آن
 ارض را ذکر کرد تا منتهی شد بذكر سلطنت امويه و سلاطینی که بعد از آن طبقه
 پادشاهی داشتند و در انجام فرمود چون این امور واقع شود در گوشه خانی
 خویش منزوی گردید تا زمانی که ظاهر شود پاکیزه فرزند رسول ظاهر مظهر
 که ادهت صاحب غیبت جدا گردیده از احباب مردم و طاعت اصحاب
 شاهد و ماخذ این اخبار آیه (۶۳) سوره اثل است قوله تعالی و تقدس من
 یحیی المصطر اذا دعاه یوسف السور و یحیی المصطر اذا دعاه الله مع الله قلیلاً
 ما ذکره ان یعنی کسیت که اجابت فرماید دعوت مصطر و بردارد بدی را
 و بجلافت زمین شمار ابرافرازد جز پروردگار عالمیان آیا با او خدای دیگری
 است افسوس که قلبی از مردم تشبه خواهند شد در صفت (۱۲۲) بحار الزکاة
 تفسیر علی بن ابراهیم قمی نقل شده که حضرت صادق در تفسیر این آیه فرمود
 فی القائم هو الله المصطر اذا اصاب فی المقام لعین دعائه فاجابه یوسف السور

۳۲

و یحیی خلیفه فی الارض یعنی آیه مذکوره در حق قائم موعود نازل گردیده است
 او است کسی که کارش باضطرار می انجامد و زمانیکه در مقام ابراهیم که در کوفه
 دو رکعت نماز بجا میآورد و خدای را میخواند و عویش مستجاب میگردد و بدعا
 او خدای تعالی بدی را بر میدارد و او را در زمین خلیفه و جانشین خویش قرار
 میدهد.

۳۳

فصل سوم

در ذکر اخباری که مشعر است بقیام آن حضرت بعد از آنکه شریعت متقله
 اظهار میکند خلق البشر و کتاب جدید دعوت نماید و احکام قرآن از منبر
 از آن جمله در صفحه (۱۹۴) بحار الانوار از کتاب الغیبه نعمانی نقل شده عن
 کامل عن ابی جعفر انه قال ان قائمنا اذا قام دعا الناس الى امر جديد
 كما دعا اليه رسول الله وان الاسلام بداعربا وسعود غربا فطوبى للغرباء
 یعنی کمال از امام محمد باقر علیه السلام روایت نموده که فرمود زمانی که
 قائم ماقیم منبر نماید مردم را بشرع جدید دعوت نماید چنانکه رسول خدا
 بشرعت تازه دالالت فرمود و همانا دین اسلام در ابتداء امر غریب بود و در
 بازگشت و عود هم دین حق غریب و بی معین خواهد گردید خوشحال غربا و در
 امر آنست که در حدیث دیگر منبر نماید تقوم القائم بافر جدید و کتاب جدید
 و قضاء جدید علی العرب شد یعنی قیام منبر نماید بشرع جدید و کتاب

۳۴

تازه و حکم مجدد که بر عرب صعب و ناگوار است مقصود از دین اسلام در حد
 مذنب حق و آئین سلامتی است و در قرآن تمام ادیان حقه دین اسلام
 خوانده شده چنانکه در آیه (۷۷) سوره الحج میفرماید قوله تعالی **لَقَدْ اٰتَيْنَا اِبْرٰهٖمَ**
اِسْمًا **جَدِيدًا** **وَلَقَدْ اٰتَيْنَا اِسْمٰهٗمُ** **بِاسْمِ** **اَبْنٰهٖمُ** **وَلَقَدْ اٰتَيْنَا** **يٰسٖرًا** **وَلَقَدْ** **اٰتَيْنَا** **مُوسٰى** **اِسْمًا** **جَدِيدًا**
 هو **سَالِمٌ** **اَلْمَسْلُومِ** **مِنْ** **قَبْلِ** **وَفِي** **ذٰلِكَ** **اٰیٰتٍ** **لِّمَنْ** **عَزَمَ** **اَلْحَق** **اَلدِّیْنَ** **اِسْلَامًا** **اَمِیْنٌ** **یٰسٖرًا** **اِبْرٰهٖمَ** **اِسْمًا** **جَدِیْدًا**
 که از قبل پیروان مذنب حق را مسلمان نامید و در این قرن هم شما را مسلم خوانده
 شده اید و در آیه (۱۷) سوره آل عمران میفرماید قوله عزنا **یٰٓاِنَّ** **اَلدِّیْنَ** **عِنْدَ** **اَللّٰهِ** **اَلْاِسْلَامُ** **یَعْنٰی** **مَطْلُوقٌ** **اَدِیَانَ** **حَقَّةً** **عِنْدَ** **اَللّٰهِ** **دِیْنَ** **اِسْلَامًا** **وَ** **اَمِیْنٌ** **سَلَامَتِیْ** **خَوَانِدَةً**
 حافظ ابو نعیم اصفهانی در حدیث (۲۸) خبری از حدیث روایت نموده از
 حضرت رسول علیه السلام **اَطِیْبٌ** **لِلتَّسْلِیْمِ** **وَالتَّكْرِیْمِ** **وَ** **اِرْجَلُهُ** **مِیْضِرٌّ** **اِذَا** **اَرَادَ** **اَللّٰهَ** **اَنْ** **یُعِیْدَ** **اَلْاِسْلَامَ** **عَزِیْرًا** **قَصَمَ** **كُلَّ** **جَبَّارٍ** **عَسِیْدٍ** **هُوَ** **اَلْقَادِرُ** **عَلٰی** **مَآسِئِ** **اَنْ** **یَصْلِحَ** **اَلْاَسْبَاطَ** **بَعْدَ** **فَسَادِهَا** **فَقَالَ** **صَدَقَ** **یَا** **حَدِیْفَةُ** **لَوْ** **لَمْ** **تَمُتْ** **مِنْ** **اَلدُّنْیَا** **اَلْاَیُّوْمُ** **وَ** **اِحْدَ** **طَوَّلَ** **اَللّٰهُ** **ذٰلِكَ** **اَلْیَوْمَ** **حَتّٰی** **تَمُیِّتَ** **رَجُلًا** **مِنْ** **اَهْلِ** **بَنِی** **سَهْرٍ** **مِنْ** **اَهْلِ** **اَلْمَدِیْنَةِ** **عَلٰی** **یَدِیْنِهِ**

خبری صحیح

و يظهر الاسلام لا يخلف و وعدة و هو سرع الحساب يعني زمانيكه اراده حق تعالی
 گيرد که دين اسلام را پس از انداس القراض عاده نشد يصولت اشخاص
 متکبر سرکش ميشکند و خدای بر هر چه خواهد توانا است قدرت دارد
 برايکه حال امتی را بعد از فساد و اصلاح تبديل نمايد و فرمود ای خديفه اگر تا
 از دنيا جز بگيرد و بر آينه طول خواهد کشيد تا مالک دين شود مردی از نسل من
 که کارهای بزرگ از دست او جاری گردد و آئين حق پرستی را در عالم ظاهر
 کند و رواج دهد و بر او عده خدا خلفند اردودگرگون نشود و ميقات وعده
 بزودی فرسارسد و در کتاب نايبع الموده تاليف شيخ سليمان الحسيني
 القذوري الحنفی از کتاب ابد السبطين نقل شده از حضرت رسول که در
 حق قائم منتظر ميفرمايد يا تى على امتى بر من لا يتبعى من الاسلام الا الله و لا
 القرآن الا الله فحينئذ ياذن الله تبارك و تعالی له بان يخرج من ظهر
 الاسلام به و يجهده يعنى زمانى ميبايد که در ميان امت من باقى نماند از

۳۶

اسلام جز اسم و از قرآن جز خطوط و رسم او در چنين وقتى خدای تبارک و تعالی
 مهدى موعود را با چهار امر مأمور و مأذون خواهد فرمود و بسبب او دين اسلام
 ظاهر ميشود و آئين الهى تجديد ميگردد انتهى و مولوى رومی که نزد فقه
 شيعه و اهل سنت و جماعت از بزرگان دين بشمار ميرود در دفتر ختم کتاب
 مشهورى حديث نبوى مشهور را **الاسلام بد اغريباً و سيود غريباً كما**
بدأ قطوبى للعرب بار در عنوان کتاب نقل نموده و دين اسلام را که در بار
 گشت و عود گرفتارند اهب متفرقه ميشود و از روستاى فرق مختلفه بشمار
 و گونيش مبتلا ميگردد و تشبيه نموده با هونى که در طولىه خزان وارد شود و هر
 يك از خزان در حق ميهان نور رسیده زبان ملامت و مذمت گشايد
 و سوز نشها آغاز کنند خلاصه اشعار و بيانات آن آزاد مرد عارف بزرگوار
 را چون جالى از لطافت نبود اينجا نقل نموديم قوله **طيب الله ريسه**
 اهونى را که در صيادى سکا اندر آخر بردش آن بي زبنا

۳۷

در میان آتش پر از خران
آهوار وحشت بهر سو میگردد سخت
از جماعت آشتها هر گاه و در خر
گاه آهومی رسید از سو بسو
روزها آن آهوی خوش نافر
یک خورش گفتمی که آن ای ابو جوش
اند که تخرودی که خب ز روده
و آن جنسی گفتمی که با این نازکی
و آخری شد تخمه در خوردن بماند
سرچنین کرد او که فی رده این
گفت میدانم که نازی میکنی
گفت آهوی خسته این طعمه نواست

جس آهوی کرد چون استمکران
او پیش آن خران شب گاه سخت
گاه میخوردند همچون نیشکر ۳۸
که زود و کرد که میافت رو
در شکنجه بود در اصل حشر
طبع شاهان داری و میران خموش
گوهر آورده است تا از آن دهد
بر سر پیر شاه شوگر مکنی
پس برسم دعوت آهوی را بخواند
آشتیایم نیست هضم ناتوان
یا ز ناموس استرازی میکنی
که از آن اجزای تونده و نواست

من الیف مرغزاری بوده ام
گر قضا افکند ما را در عذاب
گفت خراخرهی زن لاف لاف ۳۹
گفت نامم خود گوای میدهد
لیک آنرا بشنود صاحب شام
خرگیز خسته بویید بر طریق
به آن گفت آن رسول مستحیب
ز آنکه خویشانش هم از وی میرند
صورتش را جنس می بینند نام
ماخذ این اخبار در خصوص قیام قائم موعود بدعوت جدید آیه (۱۰۷) سوره طه است
قوله عَسَىٰ أَن يَأْتِيَكُمُ الْيَوْمَ رَسُولٌ مِّنْ عِنْدِ رَبِّكُم بِبَيِّنَاتٍ لَّا تَرَاهُمْ إِلَّا عِزًّا وَرَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

در طلال روضها آسوده ام
کی رود آن طبع و جوی مستطاب
در غیبی بس توان گفتن کز لاف
مستی بر عود و عنبر می بند
بر خیز سرگین پرست آن شد حرام
مشک چون عرضه کنم بر این بوی
رمز الا سلام فی الدنیا عریب
گرچه با ذاتش ملایک همند
لیک از وی می نیابند آن شام
یوم قیام قائم است متابعت خواهند نمود کسی را که براه راست خلق را دعوت

ودالات میفرماید و در طریق وی ابداً عوج حاجی نیست و در خصوص ناگوار بودن دعوت
 بر قوم عرب آیه (۶) سوره القمر است قَوْلُهُ تَعَالَى يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِيَ إِلَى شَيْءٍ لَمْ يَدْعُ
 یعنی ذری که میخواند داعی الهی مردم را با امری که بر ایشان صعب و ناگوار است
 ۴۰ شاید مندرس گردیدن اساس اسلام و منسوخ شدن شریعت حضرت خیر الانام
 آیه (۳۳) سوره الحج است قَالَ خَيْرٌ مِّنْ قَالَ وَمَنْ نُعْظِمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَاتَّبِعْنَا مِنْ
 تَقْوَى الْقُلُوبِ لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَى أَهْلِ الْمُنْتَهَى ثُمَّ مَحَلُّهَا إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ
 یعنی کسیکه بزرگ دارد آثار و احکام دین الهی را همانا دلش بنور تقوی روشن است شمار
 در تعظیم شعائر دین همین تا میقات معنی سود است ولی پس از انقضاء اجل امت
 اسلامیة شعائر آثار شریعت به بیت عتیق راجع میشود و ببارة اخروی چون شریعت
 امم ضایع مندرس و منسوخ میگردد ماخذ اعاده دین اسلام آیه (۲۸) سوره الاعراف
 قَالَ تَعَالَى وَتَقَسَّسْ كَمَا بَدَأْتُمْ تَعُدُّونَ فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ
 یعنی چنانکه در اول امر دین الهی بر شما ظاهر شد عود کنید مانند بدو خواهد بود تقوی سار

هدایت دارد میشوند و گروهی در وادی ضلالت و حیرت گمراه میگرددند ماخذ نزول
 کتاب حدید آیه (۲۰) سوره هود است قَوْلُهُ عَزَّيْبَانَهُ أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ نِبْتَةٍ مِّنْ
 وَتَشَلُّوهُ شَيْئًا مِّنْهُ وَرَمَىٰ قَلْبَهُ كِتَابًا مِّنْ مَّوْسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً يٰ أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
 ۴۱ چنین همیبری مجال تردید است که بروی سانی از پروردگار نازل شده و از قبل
 توریة موسی که رحمت الهیه و پیشوای قوم بود مصدق آیات اوست بر اثر او
 شاهی دیگر از مقوله کتاب نازل میگردد و بر من عند الله بودن او شهادت
 خواهد داد .

فصل چهارم

در ذکر اخباری که دلالت میکنند بر بدی علماء و فقهاء زمان آن حضرت و سوسه
انها با آن بزرگوار

۴۲

از آن جمله در صفحه (۱۶۳) بحار الانوار از کتاب الغیبه نعمانی نقل شده عن ایل فضل قال
سَمِعْتُ اَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ اِنَّ قَائِمًا اِذَا قَامَ اسْتَقْبَلَ مِنْ حَبَلَةِ النَّاسِ اَشَدَّ
مَا اسْتَقْبَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ مِنْ جِهَالِ اِسْحَابِيَّةٍ قُلْتُ كَيْفَ ذَكَرَ قَالَ اِنَّ رَسُولَ اللَّهِ
اَتَى النَّاسَ فَيُحِبُّونَ اِحْبَابَهُ وَالصَّخْرَةَ وَالْعِيدَانَ وَالشَّجَرَةَ الْمَخْوِيَّةَ وَاِنْ قَامْنَا
اِذَا قَامَ اَتَى النَّاسَ كُلُّهُمْ يَتَوَلَّوْنَ عَلَيْهِ كِتَابَ اللَّهِ وَتَحْتَجُّ عَلَيْهِ بِرُفْيِ اِيْلِيَّتِ
نموده که شنیدم از حضرت صادق علیه آلاف التحية والثناء میفرمود زمانی که
قائم مایم فرماید وارد میشود بر او مردم نادان شدید تر از مصائبی که بر رسول خدا
از جهال زمان جاهلیت وارد گردید عرض کردم سبب چیست فرمود زمانی که رسول
خدا ظاهر شد مردم سنگهای منقوره و چوبهای تراشیده شده یعنی بهار ایشان میکردند

۴۳

ولی چون قائم مایم فرماید مردم احتجاج میکنند بر او بکتاب خدا و قرآن ابرر
آن حضرت تأویل مینمایند انتهى و در حدیث دیگر میفرماید اِذَا اُظْهِرَتْ رَايَةُ الْحَقِّ لِعَلْمَانَا
اهل الشرق والغرب یعنی زمانی که روایت حق ظاهر شود اهل مشرق و مغرب
اور العجب اینست فرمود در حدیث نبوی مشهور که در مدت علماء زمان مهدی موعود
وارد شده میفرماید قَهَّارُ ذَلِكَ الزَّمَانِ شَهُّ فُقَهَائِهِ تَحْتَ طَلِّ السَّمَاءِ مِنْهُمْ
حَرْجَتِ الْعِصَّةُ وَالْمِثْمُ تَعُوذُ بِعِنِّي قَهَّارُ اَنْ مَانِ بَرِّينَ عِلْمًا زِيْرَ اَسْمَانِ هَسْتَنْدِ هِرْقَتَهُ
از آنها ظاهر میشود و بانها راجع میگردد و شیخ حسن البعدوی انحرادی که از اجله علماء
سنت و جماعت است در کتاب مشارق الانوار در شرح اشراط ساعت
صغری قیام قائم موعود روایت نموده قال رسول الله ص مع لا تقوم الساعة حتى يلعن
اسعد الناس بالدين الكلب ابن كلب و ما من عالم الا و الذي بعثته الله حتى يلعنوا بكم
یعنی رسول خدا فرمود قیامت قیام خواهد کرد مگر زمانیکه خوش اقبال ترین مردم
در ریاست دنیا اشخاص سست احمق بی حسب و نسب باشند و هیچ عالمی از عالم

رحلت کند جز اینکه پس از وی بدتر و فاسد تر از او بمقامش قدم گذارد و حال بد
 منوال است تا وقتی که بشرف لقاء پروردگار خوش نائل گردید شهادت و ماخذ
 این اخبار آیه (۶۲) سوره النحل است قوله جل کبریا لَئِنْ مَرَّ بِالنَّاسِ بِالْآخِرَةِ
 مَثَلُ السَّوْدِ وَالْمِثْلُ الْأَعْمَى وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَبِحَسْبِ آيَةٍ (۶۴) قوله غرسانه و یحبون
 بئس ما یکرهون تصف نسیتم الکذب ان لهم حسنی لاجرم ان لهم النار و آسم
 مفرطون بنی معرضین یوم آخرت و ظهور درشتی سیرت ضرب المثل و شهره آقا قد
 ولی خداوند عزیز حکیم را مثل اعلی است و میفرماید آنچه بخویش و بنا بر نوع پسند
 بحی نسبت میدهند و خود را با این کردار مگویند و میستایند و بیادش عمل قبیح
 نیکباز خدای توقع دارند لاجرم بنا بر راجع میگردد و در دخول نارد بکیران
 میگیرند انتهی مقصود از آخرت در آیه شریفه یوم ظهور قائم موعود است چنانکه در تفسیر
 اهل بیت علیهم السلام طیب البهار غالب آیاتی که راجع باخرت است بیوم ظهور تاویل
 شده و از آن جمله آیه (۷) سوره نبی اسرائیل است قوله تعالی فاذا جاء وعدة لآخره

۴۴

علی بن ابراهیم قمی در تفسیر خویش از ائمه اسلام علیهم السلام روایت نموده یعنی
 القائم صلوات الله علیه و اصحابه بمنفیه باید غرض از (آمدن عده آخرت)
 میعاد ظهور قائم و اصحاب آن بزرگوار است .

۴۵

فصل پنجم

در ذکر اخباری که مشعر است بر جمع بودن سن پیران شین در قائم موعود علیه و
آولایه الآف التحیه و التثانی

در صفحه (۱۹۰) بحار الانوار از کتاب الغیبه نعمانی نقل شده عن ابی بصیر قال سمعت
ابا جعفر الباقع یقول فی صاحب الامم شنبه من اربعة انبیا شنبه من
موسی و شنبه من عیسی و شنبه من یوسف و شنبه من محمد ص قلت ماشبه موسی
قال خائف یتقرب قلت و ماشبه عیسی قال قیل فیہ ما قیل فی عیسی قلت و ماشبه
یوسف قال السجین و العنیه قلت و ماشبه محمد ص قال اذا قام ساریس و رسول الله

ابو بصیر روایت نموده که از حضرت باقر علیه الطیب البها شنیدم میفرمود در صاحب
این امر شباهتی است از چهار پیغمبر موسی و عیسی و یوسف و محمد علیهم السلام
عرض کردم شباهت آنحضرت موسی از چه راه است فرمود خائف و منتظر خواهد بود
عرض کردم از چیست شباهت می بعضی فرمود گفته میشود حتی او آنچه گفته شد درباره

۴۷

۴۶

حضرت مسیح (یعنی علما بر قتل آن بزرگوار فتوی میدهند و او را بدار کشیده شمشیر میکنند
چنانکه نسبت بحضرت روح معمول داشتند و میگویند او را صلیب کردم و متعلق
شد و حال آنکه بر آنها شبیه است امر او مرتفع خواهد گردید) عرض نمودم بچه سن است
یوسف مانند است فرمود بسبب مبتلا شدن بحسین و عیسی و عیسی و شنبه و شنبه و شنبه و شنبه
از چه راه شبیه است فرمود چون قیام کند بسیره و طریقه رسالت شنبه حرکت میفرماید یعنی
خلق را بشرح و کتاب صید بخواند) انتهى این گونه اخبار در کتب معتبره بسیار است
نهایت حدیثی عبارت از نبع علامات من اربعة انبیا و او را دیده و در روایتی
سنن من الانبیا مذکور است بنحو عموم و در خبر دیگر شنبه من اربعة انبیا چنانکه
مردم و گاشته شد عالم فاضل و مفسر کامل و محشری که از اکابر علماء سنت و عفت
در کتاب کشف ارض لینه الیمان روایت نموده از حضرت خاتم انبیا علیه السلام
و الباء قال ص انتم اربعة الامم ستمت بنی اسرائیل لکن بن طریقه هم حدوا لکن
و العدة بالعدة یعنی شما اهل اسلام شبیه بنی اسرائیل خواهید بود در خصوص

علامات آمارشستی که از ایشان زمان پیمبران ظاهر شد هر آینه چنان بطریقه آن قوم
 به سپار خو امید شد که از قدم از اثر قدم و پیریز از پیریز مختلف نماید انتهى از جمله سنن
 و آثار سوبنی اسرائیل قضیه یوسف صدیق علیه اطیب البهار است دیگر قاعد نمود
 از حضرت حضرت کلیم است باینکه آنحضرت در تقویت قوم مصر بر اگشت آریار
 و معاوتش بجدی تعلق کردند و انحراف جستند که کار آن بزرگوار بخوف و اضطراب انجام
 و از مصر مهاجرت فرمود فقره دیگر اقدام نمودن بر قتل و صلیب حضرت مسیح روح الامین
 له الصداق است تمام این وقایع از امت اسلام در حق قائم موعود عظیم ذکره و شانه بطور پیوسته
 فاعتر و ایا اولی الابصار ماخذ و فقره از سنن بسیار از قبل نگاشته شد (بلی
 مشابست آنحضرت بیوسف که در فصل اول از اصل چهارم مرقوم و دیگر شباهت
 رسول صر که در فصل سوم مسطور گردید) شاید شباهت بموسی آیه (۲۰) سوره القصص
 است قوله اظلی بیانه فخرج منها خائفاً یترقب قال رب انجني من القوم الظالمین
 یعنی چون حضرت کلیم از مصر بیرون آمد میسر سید و منظر فرج الهی بود و مناجات مینمود که

۴۸

۴۹

که خدایا مرا از کید ظالمان خلاصی ده همچنین آیه (۲۰) سوره الشعراء که در حدیث بقیام قائم
 تاویل شده فاضل مجلسی در صفحه (۱۷۶) بحار از کتاب الغیبه نعمانی نقل نموده عن المنفصل عن
 ایمیة الله انه قال اذا قام القائم تلبذه الاله فقزت ثم لما ختم قوم بهت لی ربی
 کلمة جعلنی من المرسلین یعنی منفصل از حضرت صادق علیه اطیب البهار روایت نموده
 که فرمود چون قائم بدعوت مردم قیام نماید این آیه را تلاوت میفرماید که حضرت کلیم
 فرمود چون بر خوشتن خائف بودم از شما دوری گردیدم ولی خدای مرا حکمت و نبوت
 موهبت نمود و بر رسالت سرفراز فرمود انتهى مصداق این مقال در محبت
 نقطه اولی بل انما الاعلی از که معطره و معاددت بشیرا کما تحقق یافت مؤید فقره
 اخیر آیه (۱۵۶) سوره النساء است قوله صدق مقالہ و قولهم انا قتلنا محسن
 مزمزم رسول الله و ما قتلوه و ما صلبوه و لكن شبه لهم و ان الذین اختلفوا فیہ لفي
 سلك منته ما لهم به من علم الا اتباع الطین و ما قتلوه لقیسنا بل رفعة الله الیه کان

غزیراً حکیماً یعنی قول رؤسا و بزرگان یهود این بود که مایعی بن مریم مسیح و رسول
 خدا را کشیم ولی در عالم معنی نقل صلیب وی دست نیافتند امر برایشان
 مشتبه شد زیرا اسم و اثر آنحضرت عالم گیر شده اما که در این مرحله راه خلاف سپردند
 ۵۰. همانا خود متحیرند و کوه نظر بحقیقت امر ندارند و گرنه آنحضرت بصلیب مقبول نشد
 بلکه خدایش عالم بالا صلواتی الهی صعد نمود و حکمت بالغه الهیه درین تقدس و
 عزت مقرر گردید اسی فتنه را مقلوبه یقیناً خود گواه صریح است اینکه این
 بطایفه مقبول شد نهایت چون بخلاف انتظار بود بسبب شهادت ترلزلی در
 امر آنحضرت پدید آمد بلکه بزودی ایت الهیه ارتفاع یافت وصیت دعوت
 کوشند خلق گردید بوضع پیوست که در حقیقت معنی بزرگان بنی اسرائیل نقل
 وی است نیافتند شاید بر اینقره آیه دلیران است که میفرماید *وَالْأَحْسَنُ الَّذِينَ قَاتَلُوا*
فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَالَهُمْ أَوْ أَنفُسَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَعَلَّ هُمْ يَرْجُونَ
 بلکه حیات جاودانی دارند در ساحت تقدس انبیا همای آیه مرز و قند.

اصل پنجم

در ذکر حالات صحاب و خلفاء آن حضرت مدت ملک آن بزرگوار در

۵۱ فصل مذکور میشود

فصل اول

در ذکر اخباری که مشعر است بحالات صحاب آن حضرت و سلوک خلق با

اتباع آن بزرگوار قتل و سبی و حرق آنها در صفحه (۱۳۰) بحار الانوار از حدیث

لوح فاطمه سلام الله علیها که از اخبار معتبره مشهوره است و ایت شده

عَلَيْهِ كَالْمَوْسَى وَبِهَارِ عِيسَى وَصَبْرِ أَيُّوبَ سَيِّدِ أَوْلِيَاءِهِ فِي زَمَانِهِ وَتَهَادُّ

رُؤْسِهِمْ كَأَنَّهَا دِي رُؤْسِ الشُّرْكِ وَالَّذِينَ يَفْقَهُونَ وَيُحَرِّقُونَ وَيَكُونُونَ خَالِفِينَ

مَرْغُوبِينَ وَجَلِينَ بِنَصْبِ الْأَرْضِ بِنَابِهِمْ وَيَقْسُوا الْوَيْلَ وَالرَّيْنَ فِي نِسَابِهِمْ أُولَئِكَ

تَحَابُّهُمْ أَدْفَعُ كُلَّ فِتْنَةٍ عَمَّا جَدِسَ بِهِمْ كَشَفِّ الرِّزَالِ وَأَرْفَعُ الْأَصَارَ وَالْأَعْلَى

أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ یعنی قائم

موعود جمع است کمال حضرت کلیم و بهار حضرت مسیح و صبر حضرت ایوب
 عَلَیْهِمُ الطَّيِّبَاتُ البهار و از کی التَّحِيَّةُ وَ التَّشْنَاءُ بهر آینه اولیاء آن حضرت در زمان
 ظهورش خوار میگرددند و سه ایشان چون سراسر ترک و دیلم بدیده میگردند
 و بعد از کشتن اجسادشان آتش میزنند و لازال حشت زده و در سنال
 خواهند بود زمین از خوششان نکلین و ناله و فغان از زما نشان بلند میگردد
 (خدا تعالی میفرماید) ایشان بر اسی دوستان مند و بیکت وجودیسا
 دفع میکنم هر تنه تیره مشکلی اودفع میایم از قلوب عباد زلزله او بر میدارم
 تکالیف شاقه و احکام مشکله را بر آنها با صلوات و رحمت پروردگار و ایشانند
 هدایت یافتگان انبی شیخ ابن حجر ایستمی که از اجدد علماء سنت است در
 کتاب صواعق محرقه اریح حاکم روایت نموده و این کتاب ارضحاج معتبره
 مشهوره است یحل نامتی فی آخر الزمان بلائ شدید من سلطانیم لم یسمع
 بلائ شد منته حتی لا یجد الرجل ملجا فیعبث الله رجلا من عترتی اهل بیتی

۵۳

مِلاَءِہِ الْاَرْضِ قَسْطًا وَّ عَدْلًا کَمَا کُنْتَ ظَلَمًا وَّ جَوْرًا یعنی رسول خدا علیه افضل لشحمة
 وَ التَّشْنَاءُ فرموده وارد میشود بامت من در آخر الزمان بلا یا و سختیها از
 سلطان نشان که در عالم بلا یا و مصائبی شدید تر از آن شنیده نشد
 باشد بحدی که ملجا و پناهی از برای مردم یافت نشود و چنین ایامی است
 بعثت شخصی از اهل بیت و عترت من بیکت وجود مقدس می عالم
 پر از عدالت گردد چنانکه اقبل پر از ظلم و جور شده بود انبی در کتاب غایم
 از این قتیبه که از بزرگان علماء سنت است نقل شده که حضرت سول علیه
 افضل التَّحِيَّةِ وَ البهار در شرح اهل ایمان در آخر الزمان یوم قائم موعود فرمود
 منم بدینه کالتقا بضع علی الجمر و الحدیث الاخر الشہید منم یومئذ کشید بدر یعنی
 چنان که بر اهل ایمان سخت شود که مله داشتن دین بدان ماند که کسی انحر سوزا
 بدست محافظت نماید و در حدیث دیگر فرمود رتبه و مقام شهدا آن در چون
 قدر منزلت شهدا بدر خواهد بود انبی ماخذ این اخبار آیه (۲۱۰) سورة البقره است

قوله تعالى وَتَقَدَّسَ اَمْرُكُمْ اَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُم مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا
 مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَكْبِرُوا الْبَاسَاءُ وَالضَّرَّاءُ وَرَلُّوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا
 مَعَهُ مَتَى نُصْرَةُ اللَّهِ اَلَا اِنَّ نُصْرَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ ^{۵۴} یعنی ای ایگان در اید بهشت در اید شوید
 و هنوز مثل بلا یا و مصائب مؤمنین امم ساله در میان شما ظاهر نشده که
 میرسد ایشان اشد است و سختی و نومیدی و اگر کثرت محنت و الم عمان
 سگیبانی از دست میدادند بحدیکه پیغمبر و اصحاب بتایانه در طلب یاری از
 حق شتاب می نمودند و خدا تعالی بصبری امر میفرمود که نصرت الهی نزدیک
 است انتهى فصل مجلسی علیه الرحمه در باب فضیلت انتظار فرج از کتاب ^{۵۵}
 شیخ طوسی باب رسته نقل نموده عن خالد العاقولی فی حدیث له عن ابي عبد الله
 انه قال فَاَمَّا مَنْ غَرِبَ عَنِ الْيَوْمِ فَاسْتَعْلَمَ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ الرَّجُلُ مِنْكُمْ خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ
 فَمَضَى حَتَّى رَجَعَ لَمْ يَحِطِّفْ اَنْ كَانَ مِنْ قَبْلِكَ عَلِيٌّ اَنَا اَنْتُمْ عَلَيْهِ لِيُؤَخِّرَ الرَّجُلَ مِنْكُمْ
 فَمَطَّعَ يَدَاكَ وَرَجَلَاكَ وَصَلَبَ عَلَى جَدْوَعِ الشَّجْلِ وَيَسْتَرْبِي الْمَسَارِمَ لِيَايَعِدَ وَتَبَّ

۵۵

^۱
 ثم تلا هذه الآية اَمْ حَسِبْتُمْ اَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُم مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا
 صادق عليه اطيب البهار روایت نموده که میفرمود بکلی نظر دارید و آنچه
 رو بطور قائم شتاب بنمایید آیا امروزه از مکاره روزگار این چنین شید آیا جز این
 است که مردان شما از خانه بیرون می آیند و قضاء حوائج خویش نموده
 مراجعت میکنند و ما خود نمیگزیند نفسیکه در قرون ضایعه بودند هرگاه
 بچنین امری اعتماد می نمودند و در روزی چون یوم خروج قائم واقع می گشتند
 چون از خانه خویش بجهت حاجتی بیرون می آمدند گرفتار میشدند و دست پایشان
 قطع و بدارشان می کشیدند و آره بر فرشتان می نهادند با وجود این شکیبایی
 داشتند و تقصیر و گناه را بخویش نسبت می دادند و سپس آن حضرت کرمه
 سابق الذکر را تلاوت فرمود اَمْ حَسِبْتُمْ اَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ اِلَى آخِرِ الْآيَةِ

فصل دوم

در ذکر اخباری که مشعر است بشرح حالات خلفاء آن حضرت و حرکت آنها از خراسان که در جهت مشرق واقع است باریات سیاه و معدودی از صحابه ۵۶ و درین اوه با شکر عظیمی بقتال و جدال و چار شدن شهید گردیدن آنها نهایت مطلوبیت از آن جمله در صفحه (۱۶۵) بحار الانوار از کتاب الغیبه نعمانی نقل شده عن ابی خالد الکابلی عن ابي بصير انه قال قال كافي بقوم قد خرجوا بالشرق يطلبون الحق فلا يعطونه ثم يطلبون فإلا يعطونه فإذ ارادوا وضعوا سيوفهم على عوارضهم فمطون بالسؤال فلا يقبلونه حتى يقولوا ولا يدعونها الا الى صاحب قتلهم شهدا اما اني لو اذرك ذلك لا تعبت نفسي لصاحب الدنيا الامر يعني ابو خالد کابلی از حضرت باقر علیه اربع اشهر و البهار روایت نموده که فرمود (چنان این خبر نزد من متحقق است که) گوئی امروز مشاهده میکنم قومی که از طرف مشرق در طلب حق حرکت میکنند

۵۷

و ازین مقصود ممنوع میشوند سپس تقدم ثابت طریق طلب می پیمایند و ازین مقصد محروم میگرددند چون چنین دیدند شمشیر بدهوش گزیده بمقاتله و جدا اقدام میکنند و مسئولان با جابت مقرون میشود ولی صلح و مسالمت را قبول نخواهند نمود و خراسان که از ادانه بنصرت حق قیام نمایند و رایت نبش را بصاحب شما و بعبارة اخری قائم موعود تسلیم کنند همانا مقبولین آن قوم شهید راه خدایند اگر من خود ادراک آن زمان نمایم هر آینه خود را محفوظ داشتم بجهت شما در سبیل صاحب امر میا خواهم نمود انتهى حافظ ابو نعیم صفهانی در حدیث (۲۷) از حضرت رسول علیه الطیب و النجیة و البهار روایت نموده که فرمود انما اهل بیت اختار الله لنا الآخرة على الدنيا وان اهل بيتي سيلفون بعدى بلادا و تسريدا حتى ياتي قوم من بل الشرق و منهم رايات سود فيقولون الحق فلا يعطونه فيقتلون ويضربون فمطون فاسألوا فلا يقبلون حتى يدعوه الى من اهل بيتي فيقتلها قسطا كما ملأه جورا فمن اذرك ذلك منكم فليأتهم ولو جوا

عَلَى النَّجِّ یعنی همانا اهل نبی هستیم که خدای بجهت ما آخرت را بر دنیا ترجیح
 داده است و زین سپس اهل بیت من ببلایا و پرانگی اصحاب و طرد
 منع خلق میگردد تا زمانی که قومی از جهت شرق با آیات سیاه حرکت میکنند
 و مطالبه حق اهل بیت مرا نمایند و ممنوع میشوند عاقبت کار اتصال میانجا
 و در جنگ نصرت می یابند و خواهش ایشان پذیرفته میشود ولی متقاعد نمیکرد
 جز باینکه تسلیم کنند مرا شخصی را اهل بیت من که عدلت اطاهر خواهد
 فرمود چنانکه دیگران ظلم را روح داده بودند هر یک از شما آن زمان اول یا
 باید بسوی ایشان شتابد گرچه بسینه رفتن در برف باشد انتهى و در حدیث
 (۲۶) روایت نموده قال رسول الله مع اذ ارایتم الرایات السود فدا بقیلت
 من جرج اسان فانوا و لوجنوا علی النجج یعنی رسول خدا علیه اطمینان التنا
 فرمود چون مشاهده کنید که آیات سیاه از طرف خراسان حرکت کرد خود را
 در ظل آن آیات وارد کنید گرچه بسینه رفتن در برف باشد انتهى و در حدیث

۵۸
 تفسیر صحیح

دیگر میفرماید فیصلو بینکم قدام فیصله قوم یعنی آن نفوس بطبی شهید میکنند که هیچ
 قومی با این قسم نماندند با صیح مصداق این احادیث زمانی محقق شد که حضرت
 باب اب اخوند ملا حسین شهبویه علیه السلام الهی از خراسان با آیات
 سیاه حرکت کرد و سیصد و سیزده نفر در ظل ایت آن حضرت مجتمع بود و در
 راه حضرت ملا محمد علی با فروشی الملقب بقدوس علیه ابدع الهاء و ازلی آ
 و التنا نیز با ایشان پیوست و در قلعه شیخ طبرسی شکر عظیمی با ایشان بمقتضا
 و مجادله پرداخت مدت نه ماه آن نفوس مقدسه ربانیه را در قلعه محصور
 نمودند و نتوانستند بر آنها ظفر باند و در صورتیکه آنجا هر مجرده بجهت طول ایام محاصره
 بقوت لایموت سترس داشتند و چندی پیوست درخت تغذیه میکردند
 باب فقط اظهار نمودند حضرت باب اب نفوس کثیره شربت شهادت
 نوشیدند مع عاقبه الامر عسا کرد و لقی از نصرت و غلبه مایوس گردیدند و تقدم
 صلح و مسالمت پیش آمدند و قرآنی مهر نموده بحضرت قدوس فرستادند پس

از قبول صلح و خارج شدن اصحاب از محاصره سردار و رئیس شکران حضرت
 را با اتباع بمهمانی دعوت کرد و در صحنی که بصرف غذا مشغول بودند غفله
 آن نفوس مقدسه اهدف گلوله توپ و تفنگ نمودند ماخذ و شاید این اخبار
 آیه (۱۱) سوره هود است **قَوْلُهُ تَبَارَكَ تَعَالَى وَ لَكِنَّ أَكْثَرَنَا عَنَّمُ الْعَذَابِ إِي
 لَى أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَّيَقُولُنَّ مَا يَحْبِسُهُ** یعنی اگر عذاب ایشان را تا آخر فلان زمانه که عد
 معدودی (از اصحاب قائم موعود بدعوت دفاع) قیام نمایند بر اینه خوا
 بگفت علت و سبب این اعمال و تعطیل صیت انتهى فاضل مجلسی علیه
 در باب آیات بقیام قائم تاویل شده از تفسیر علی بن ابی طالب قمی نقل نموده
 که از حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام بهاء یعنی این آیه را سوال کردند
فَمُودَ الْأُمَّةِ الْمَعْدُودَةِ أَصْحَابِ الْقَائِمِ الثَّلَاثَةِ نَاهٍ وَالْبَضْعَةَ عَشْرَ مَقْصُودِ
 از امت معدوده در انقیام سیصد و سیزده نفر اصحاب موعود انتهى
 و ایضاً آیه (۴۰) سوره الحج **قَوْلُهُ تَعَالَى وَ تَحَسَّسْ أذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ**

۶۰

۶۱

طَلَبُوا وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِمْ لِقْدِيرٌ أَلَدَيْنَ أَحْسَبُ جُوا مِنْ دِيَارِهِمْ نَجَسٌ حَقٌّ
 یعنی درباره آنان که بجای طین بستلا خواهند گشت و بجبال و قال چارو
 گرفتار میگردد چنین مقرر است که بظلم گشته شوند هر چند خدا ایتعالی بنصر
 ایشان قادر است انتهى مجلسی علیه الرحمه در همان باب از تفسیر مذکور نقل نموده
 عن ابن مسكان عن ابي عبد الله في قوله تعالى **أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ** الآية
قَالَ إِنَّ الْعَامَّةَ يَقُولُونَ نَزَلَتْ فِي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
وَ إِنَّمَا هُوَ الْقَائِمُ إِذَا حَسَرَ حِجَابَهُ یعنی ابن مسكان از حضرت صادق علیه السلام
 روایت نموده که فرمود عامه مردم میگویند زمانی که قریش رسول خدا را
 بجهت از ظلم مجبور کردند این آیه شریفه نازل شد ولی بحقیقت تنزیل پی نبرد
 همانا این فقره راجع است بزمان ظهور قائم روح ما سوا فداه.

فصل سوم

در ذکر اخباریکه مشعر است بحدت ملک و دوره شریعت آن حضرت و حج
 المقبرین لمطلوبتیه الفداء از آنجمله در صفحه (۱۷۶) بحار الانوار از کتاب الغیبه
 شیخ طوسی نقل شده عن عبد الکریم بن محمد و الخثعمی قال قلت لابی عبد الله
 کم میلتک القائم قال سبع سنین یعنی عبد الکریم بن عمر و روایت نموده
 که خدمت امام جعفر صادق علیه الطیب البهار عرض کردم حدت ملک قائم
 چند است فرمود هفت سال حافظ ابو نعیم اصفهانی در حدیث (۲)
 روایت نموده عن ابی سعید الخدری عن لیسبى من انه قال تمثلاً لأرض
 طمناً و جوراً فیقوم رجل من عترتی فیملأها قسطاً و عدلاً لئلا تک سباعاً و سبعانی
 ابو سعید از حضرت رسول خدا علیه الطیب البهار روایت نموده که فرمود عا
 ظم و جور و فرود گیر و نگاه مردی از ذریه من بآبرائی قیام میکند و زمین را پر از عد
 و داد میفرماید و حدت ملک او هفت یا نه سال است اتنی تردید قیامین

۶۲

۶۳

قول از شیخ زین العابدین

هفت یا نه از این جهت است که شهادت نقطه اولی حل اسمیه الاعلی در سنه
 سبع اتفاق افتاده و ابر بحال قدم راجع شد ولی اظهار فرمود تا سال شصت
 بالغ گردید و در آن سنه نزد اولیاء و خواص با جبار اقامت فرمود در این باب
 اخبار معتبره کثیره بطرق عامه خاصه و ایست شده شاید این احادیث در
 آیات سوره یوسف است (۴۷) قوله تعالی قال ترزخون سنین و آباً
 فما حصدهم فذروه فی سبیله الا قلب الامام ما کلون (۴۸) کم یاتی من بعدو
 سبع سنه ایا کلون ما قد تم لهم الا قليلاً مما تحضون (۴۹) کم یاتی من بعدو
 عام فی یغاث الناس فیه یعصرون یعنی فرمود شمار او را غارتها هفت
 سال متوالی کشت در زرع (علوم و معارف بانیه در ارض ابداع) فراوان خواهد
 بود در این حدت آنچه میدر وید و در خوشه باقی گذارید (باندگی توشه قناعت کنید
 زیرا پس از این شمار هفت سال شدید است که آنچه از ابتدای سنین سبع
 مهیا و فراهم گردیده خورده خواهد شد جز اندکی از آنچه اندوخته اید و بعد از انقضاء

سبع شد او سال دیگری است که دادرس مردم میآید و در آن سنه (شیر) شهید
 معارف و حکم را از ثدی موهبت و ناک رحمت امید و شید و سفیرند
 شاهدهت ملک حضرت اعلیٰ سبع سنین اولی است که آغاز دو
 و آثار سلطنت یوسفی از این سال شروع شد و ثمره غنیت که معرفت یوسف
 است بحال برادران و انکار انوان آن حضرت ابظهور پیوست و علایقی
 که در قائم موعود از یوسف بود از سخن و تقیه و غیبیت کاملاً محقق گردید و
 ثانیه راجع بایام اشراق شمس بحال قدم جل ذکره الا عظم است که آغازش از
 سنین اولیه فرض میشود و انجامش در شد محقق میگردد و این بهفت سال
 مشد است و سبعة اولی در وی مدغم چنانکه میفرماید یا تبارک سبحان الله
 ما قدرتم لکن یعنی در سنین شد او بمواندی که از ابتدای سبعة اولی مقرر
 گردیده مرزوق میگردد و مدت این بهفت چهل و نه سال بالغ میشود که
 سبعة کامله مشدده است و بعد از سبع در سبع سال شخصت و نهایتش سید و

۶۴

۶۵

هجری است که عدد شد او کامل میگردد و سر سال یوسیل توریته تحقیق میآید
 و میقات سوم که میفرماید ثم یا تبارک بعد ذلک عام فیه یغاث الناس
 یعنی پس از این سال دیگری است که فریادرس مردم میآید این هفتمه اسأه
 بعام قیام یوسف عمد و پیمان سال غیاث و ظهور مستغاث دوره بیان است
 و در این قرن مقدس صییت امر الهی در آفاق بلاد مرتفع میگردد و پرتو شمس
 میثاق مشرق و مغرب عالم میآید و خلق با ثمار بدیعه علوم و عرفان و تعالیم
 الهیه مرزوق میشوند و لازال آفتاب فضل تابان است و بحر موهبت متلاطم
 و غنیت رحمت از غمام عنایت باطل بشیر میشتخصین و طوبی لیسر تقین

مقصد دوم

در ذکر اخباری که متضمن است ثبات امر جمال قدم جل فخره الا عظم ازلو
شمس طلعت اعلی از افق اقدس ابھی و شرح اسم در رسم تعیین محل و سال ۶۶
ظهور حالات صحاب و احباب و عنوان و اعینه سلطان اقلیم احدیت بیان
هجرت برتیه الشام و ارض مقدس عکارو

اصل اول

در ذکر اخباری که متضمن است بشارت ظهور مبارک را برابر اثر امر نقطه اولی
آئمه الاعلی بعنوان رحمت حسینی و ظهور مهدی از آنجمله در صفحه (۲۲۳) بحار الانوار
از کتاب کافی نقل شده عن عبد الله بن قاسم البطل عن ابي عبد الله في قوله تعالى

تَوَضَّعْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَآيَةً لِّأَنَّ قَارَنَ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا
خروج القائم ثم رددنا الكلام الكثرة عليهم خروح الحسين في سبعين من اصحاب
عليهم البنص المتهبته لكل بنصته و جهان المؤدون الى الناس ان بنو اي
قد سبج حتى لا يشك المؤمنون فيه و انه ليس بدجال ولا شيطان و اسمه
القائم بين اظهرهم فاذا استقرت المعرفة في قلوب المؤمنين انه الحسين
جاء الحجة الموت فيكون الذي يغيبه و يكفنه و يحفظه و يجهده في حفرته الحسين
يعني عبد الله بن قاسم از حضرت امام جعفر صادق عليه اطيب البهائم
نموده تاويل آيه شريفه را كه مي فرمايد (در لوح محفوظ چنين مقرر داشتيم در حق بنی
اسرائيل، و يك و يك فقرات كريمه مبارکه را شرح و تاويل فرموده از جمله
مي فرمايد و كان وعدا مفعولا (يعني اين وعده واقع شدني است) مقصود از وعد
محقق ظهور قائم است از قره ثم رددنا الكلام الكثرة عليهم يعني پس رحمت او را
و برگردانيدم ظفر و غلبه شمارا بر سايرين) غرض رحمت و ظهور حسيني است

بسم الله الرحمن الرحيم

با هفتاد نفر از اجبار و اصحاب خود که بر سر ایشان بنظرهای مذتیب است
و بر مغزی او دو وجه است اینها میرسانند بر دم و بشارت میدهند خلق را
که اینک حضرت حسین ^{علی} کبریا ^{علیه} ظاهر شده است تا اینکه هیچیک از اهل
ایمان در ظهورش شک نمایند و یقین کنند که او در حال دشمنان نیست
همانا طلوع شمس حال حضرتش وقتی خواهد بود که قائم موعود بین خلق ظاهر و هویدا
امرش در کمال اوج است چون معرفت آن حضرت در قلوب صافیان
ایمان استقرار یابد و یقین دهند که او است حسین لا غیر آنگاه مرگ تمام
وارد و از این شاه صعود فرماید و حسین است آن کس که متولی غسل و جنود
و یقین قائم میگردد و جسد مطهرش در قبر مستور میرسد انتی مصداق
احادیث در آیام مبارک کلاما بطور پیوسته چه که جمال اقدس اقدم ^{علی}
ذکره الاظم در زمان نقطه اولی اعظم ذکره الاغلی ظاهر گردید و اصحاب آن حضرت را
ترتیب نمود و شون کلمات الوهیت این الناس اسکار و هویدا فرمود

۶۸

۶۹

تا اینکه حضرت اعلی را بقومی علماء سوره بارزده شهید کردند و جسد نورش را
با مبارک جمال قدم از تبریز حرکت داده بنقطه که تعیین شده بود برده مستور
نمودند سپس جمال قدم بعراق هجرت فرمودند

ولی عجب است از اهل بیان که با آنهمه تربیتهای جمال اقدس انجمنی نقطه اولی
جل ذکرها الاغلی بزودی صایا و تعالیم الهیه را فراموش نموده در یوم الله مرتب
شدند آنچه را که قلم از ذکرش خجل و منفعل است گفتند آنچه را که گرد بیان طاعت اعلی را
بصحیح چنین آوردند چنانکه فقره (و انما لیس بدجال ولا شیطان) در حدیث
شریف باین مطلب گواهی است صریح **اَفِ لَمْ يَلْمُوا سَوَاءً لَمْ يَنْفُسُ حَافِظُ**
ابو نعیم اصفهانی در حدیث (۲۴۱) روایت نموده عن ابی سعید الخدری قال
قال رسول الله ص **يَكُونُ عِنْدَ عِيَالِ مِنَ الزَّوْجِ مِنْ الصَّنِ حُلٌّ لِقَالِ لَهُ الْهَيْ**
يَكُونُ عَطَاءٌ هُنَيْيَا یعنی رسول خدا **طَيْبٌ التَّحِيَّةِ وَ الشَّارِ فَمُودٍ** در موضعی که
زمان منقطع میشود و فتنه پدید میگردد شخصی ظهور نیاید و بهدایت عباد قیام

که اوست مهدی و موهبت و تجسایش وی بسی مطلوب و گواراست نسبتی
 مقصود از انقطاع زمان انقضاء دوره قانمی است چه که او بصفت صاحب الزما
 مخصوص است و حضرت رسول قیام خود و قائم موعود را در آخر الزمان مقرر داشته
 چنانکه حافظ ابو نعیم در حدیث (۵) روایت نموده که خاتم النبیا در حج
 مشرف نمود یقوم بالذین فی آخر الزمان کما کُنت فی آخر الزمان یعنی میفرماید
 بالهاردین در آخر زمان چنانکه من بنیید در آخر زمان بدعوت خلق قیام نمودم
 و این زمان راجع بایام سلطنت ابراهیم دال ابراهیم است که حق تعالی بموجب
 بشارت خود سلطنت و حاکمیت را در اولاد حضرت اسمعیل و حضرت اسحق
 عظیم الطیب البنا پانیده و برتر از فرمود این است که خاتم انبیا سریت
 خود را بحضرت خلیل علیه الطیب التحیه و التسلیم منسوب داشته و در قرآن بخود
 حضرت خطاب شده قوله تعالی ^(۱) اِنَّ اِسْرَاطَ اِبْرَاهِیْمَ صَیْفًا یَعْنِی سِرِّی

ملت پاک و مقدس ابراهیم را یوم ظهور نقطه اولی صل اسمه الاحلی زمان متعلق
 سلطنت آل ابراهیم بود و ظهور حضرت کلیم و یحیی و عیسی و محمد و قائم موعود
 علیه السلام افضل الشظیم بمنزله ارکان اربعه عالم تشریح اند و پس از شهادت نقطه اولی
 جل ذکره و شانه این در پایان آمد در زمان منقطع گردید و میقات قرن مقدس
 الی فرسید قیام بارشاد عباد و هدایت من فی البلاد بذات اقدس
 حق و مالک یوم التنا و تعلق گرفت و مصداق الی الله ترجع الامور تحقیق یافت
 و در واقع قائمیت مهدویت بحقیقت معنی صفت حق است چنانکه در موا
 عدیده قرآن باین فقره اشاره شده از آن جمله در آیه (۳۳) سوره الرعد میفرماید
 قوله تبارک و تعالی اَفَمَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَىٰ كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ یعنی یا کسیت
 اجزوات مقدس حق که قیام میفرماید در باره هر نفسی تا آنچه کسب نموده است
 از خیر یا شر و در آیه (۹۹) سوره نبی اسه ایل میفرماید وَمَنْ یَهْدِی اللهُ
 فَهُوَ الْمُهْتَدِ یعنی هر که را خدای تعالی هدایت فرماید اوست هدایت یافته نهی

قرآن
 من مهدی است

در این مقام نکته مهمی است چون خالی از فائده نبود بطور اختصار بذكرش اشاره
 میشود و او این است که در خصوص ثبات ظهور جمال قدم حل ذکره الا عظم
 معتبره کثیره بطریق عامه و خاصه و اینست ولی چون اسم مبارک بعنوان رحمت حسینی
 در احادیث وارد گردیده و علماء سنت و جماعت بر حجت معتقدینند باین
 لحاظ اخبار رحمت را که متضمن نام نامی مبارک است بتمامه از کتب خویش
 خارج کرده و از تعداد احادیث ساقط نموده اند و هر خبری با اسم مهدی ظهور یافته
 بوده در تألیفات خود ثبت و مندرج داشته اند این است که در اخبار عامه
 موجوده در کتب ذکر می از اسم مبارک نیست ولی بعنوان ظهور حق و بهار الله و
 احادیث بسیار روایت شده مؤید این بیان عبارات منسلم است که در جزء
 اول از کتاب صحیح خود نقل نموده میگوید جراح بن یلیع روایت کرده که از جابر
 شنیدم میگفت هفتاد هزار حدیث معتبر نبوی نزد من جمیع است اهل سنت

۱- یکی از علماء معروف اهل سنت و جماعت است مؤلف کتاب صحیح معروف

همه را متروک داشته اند و ایضاً محمد بن عسکری از حریز روایت نمود
 که میگفت جابر بن یزید حنفی را ملاقات کردم ولی هیچیک از احادیث او را
 نشنیدم زیرا بر حجت معتقد بود انتهى شاهد اخبار این محبت آیه (و) سوره التائفا
 است قوله تعالی و لعلس یوم ترخف الرأبحة تشبها الرادقة میفرماید
 روزی که حرکت میکند محرک عالم (یعنی حسین) که بر اثر او تابع و ردیفی است
 و بعبارة اخری علی بوی ملحق است انتهى در صفحه (۲۳۷) بحار از کتاب کفر القاد
 نقل شده که حضرت صادق علیه الاف الثناء در تفسیر آیه مبارکه فرمود مقصود
 راجعه حضرت حسین و از رادقه علی است انتهى چون علی با اسم نامی حسین
 ملحق گردود در ترکیب تابع وی شود نام نامی جمال اقدس الهی حل ذکره الا عظم
 الا علی بدست میآید.

اصل دوم

در ذکر اخباری که مشعر است بر طلوع شمس حال قدم از نقطه مشرق و بلاد بحرم
از آن جمله در صفحه (۱۶۷) بحار الانوار از کتاب الغیبه نعمانی نقل شده عن اسحاق

۷۴

عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ قَالَ قَالَ الْمُهَدِيُّ قَبْلَ حُجَّتِهِ خَالَ كَيْفَ يَكُونُ مَبْدَأُهُ مِنْ قَبْلِ الْمَشْرِقِ
یعنی حارث بهدانی از امیر المؤمنین علی علیه السلام روایت نموده که فرمود حضرت

همدی مخمور العین و سجده موسی در گونه مبارکش خالی است و ابتدا از طورش
از طرف مشرق خواهد بود

ابو عبدالله محمد بن یوسف بن محمد الشافعی در کتاب کفایه الطالب روایت

کرده عن عبدالله بن الحارث بن جبر الرزبی قال قال رسول الله ص يخرج

أما من المشرق فيؤطون للمهدي يعني سلطانیه یعنی عبدالله بن حارث از حضرت

رسول علیه افضل التسلیم روایت نموده که فرمود نفوس از نقطه مشرق در کاب

حضرت مهدی صلوات الله علیه حرکت میکنند و بتدبیر سلطنت و نصرت امرش

قیام نمایند انتی مقصود از نقطه مشرق بلاد ایران است که در جهت شرقی

حجاز واقع گردیده و در توضیح این مسأله احادیث کثیره وارد شده بملاحظه ^{بخصوصاً}

باین مختصر قناعت نمود شاید این اخبار در قرآن آیات و اهل سوره الروم ^{است}

۷۵

قوله عزنا إن لم نغلب الروم في أذنى الأرض وهم من بعد غلبهم سيفون

في بضع سنين لله الأمر من قبل ومن بعد ويوشك لفرح المؤمنون بنصر الله

ينصرون يشاء وهو العزيز الرحيم وقد لله لا يخلف الله وعده ولكن أكثر الناس

لا يعلمون يعلمون ظاهراً من الحياة الدنيا وهم عن الآخرة هم غافلون ^{بمعنى}

عسا کروم از جنود عجم در نزدیکترین زمین ولی پس از مغلوبیت در مدت

اند سال آنها غالب میگرددند خدای راست امروز غلبه و مغلوبیت از آن

تا انجام ولی در آن روز که یوم ختام و انجام است اهل ایمان نصرت

الهی شادمانند یاری میفرماید حق تعالی هر که خواهد و اوست عزت و

و جسایند بهجت و سرور مؤمنین در آن روز صریح و عده الهی است ولی اکثر مردم

درک نمی نمایند جز ظاهراً این عده و استبشار را که راجع به ارفانی و امور دنیوی است
 و از مفاد این بشارت که در آخرت محقق میگردد غفلت خواهند نمودنتی
 تنزیل آیات مبارکه که راجع است به فتوحات شاهنشاه عم خمسه و پرویز در مملکت ۷۶
 روم سپس غالب گردیدن به اقلیوس امپراطور روم بعد از عجم چنانکه متون
 تواریخ و کتب تفسیری بر این فقره گواهی صریحت و لی تاویل بیانات الهیه
 در یوم ظهور واقع و محقق گردید چه که پس از طلوع شمس حقیقت از مشرق عجم در با
 روم مغلوب ایران طایف حول این خاک خلد نشان گردید و بعد از شکست کالی
 ایرانیان و شهادت نقطه اولی اهل ائمه الاعلی و در و جمال قدم تعالی ذکره الام
 بعد از اسلام بغداد و انقضاء مدت بضع سنین در سال نه از ظهور قائم
 موعود انوار این غلبه معنوی و آفتاب یسایات الهیه از نقطه روم که امروزه
 مملکت عثمانی مشهور است متقی و ساطع شده و در انجام بجهت هجرت جمال اقدس
 ابی سیرته الشام ارض مقدس عکا بلاد روم مطاف عموم گردید و نصرت حق

بطور پیوسته این است که در آیات مبارکه میفرماید ظاهر و تنزیل این حج
 با مورد نیویه و حالات سلاطین ظاهره است مردم درک میکنند و از باطن تاویل
 که راجع با آخرت است غفلت دارند در کتاب کافی از حضرت با و علیه السلام
 ۷۷ در تفسیر بیانات الهیه و آیت شده انه سأل عن هذه الآية فقال ان لها ايات
 لا يعلمها الا الله والرايخون في اعلم من آل محمد يعني از آن حضرت منتهی حقیقی
 کریمه غلبت الروم را سوال کردند فرمود این آیه را تا ویلی است که جز این
 در علم از آل محمد کسی برک او نائل نگردیده است مؤید این بیانات در خصوص
 رجوع تاویل یوم لقاء الله آیه (۷) این سوره که بلافاصله بعد از این آیات میفرماید
 قوله تبارك وتعالى اولم ننقذوا في انفسهم ما خلق الله السموات والارض وما
 الا بالحق اهل مسمى ان كثير من الناس بلغا ربهم كما فرؤن یعنی با دروغ
 خود تفکر نمی کنند که خدای تعالی خلق نفرموده است سموات و ارض را
 و آنچه را در این میان است جز بحق و راستی تا میفات معین معلومی ولی در

که بسیاری از مردم بقاء پروردگار خویش کافیه خواهند گردید.

اصل سوم

در ذکر اخباری که مشعر است به حالات جمال قدم صل ذکره الا عظم درود را
بعد از بیان سال و محل ظهور و داعیه سلطان حقیقت شرح حالات اولیاء
و احباب در یوم دعوت و اظهار جمال مبارک روح من فی الکلون لشراف
اقدام اجبایه الفداء و در چهار فصل مرقوم میشود

فصل اول

در ذکر اخباری که مشعر است به تعیین سنه ظهور که سال پنهان و دوست و نه
است از آن جمله در صفحه (۱۵) بحار الانوار کتاب کافی نقل شده عن ابی حمزه عن
فی قوله عز وجل قل یا ایام اللد علیه من احسبه و ما انا من المستکفین ان یؤذوا

لِلْعَالَمِينَ قَالَ امِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَتَلْعَمَنَ نَبَاهُ بَعْدَ حَسَنِ قَالَ عِنْدَ خُرُوجِ الْقَائِمِ
 أَبُو حَسَنَةَ ثَمَالِي رَوَيْتَ نَمُودَهُ كَمَا فِي تَفْسِيرِ آيَةِ مَبَارَكَةِ قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ
 مِنْ أَجْرٍ إِيَّايَ إِغْرَا آيَةٍ يَعْنِي بِلُغَايِ بَيْرِ كَرَامِي كَمَا مِنْ حُجَّةِ رِسَالَتِ خُودِ أَجْرٍ ٨٠
 مَرْدِي نَحْوِ اسْتَمِ وَخَبْرِي رَابِعًا لَهَا نَمُودَمَ وَوَلِيَّ فِي خَبْرٍ كَمَا يَكُونُ نَسِيتَ
 خَبْرِي تَكْرًا اِبْلَ عَالَمِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ أَطْيَبُ الْبَهَاءِ فَرَمُودَهُ اسْتِ هِرَانِي
 خُودِ اسْتِ خَبْرَانِ ذَكَرَ اعْظَمَ رَا دَرَسَهُ بَعْدَ حَسَنِ وَحَضْرَتِ بَا وَرَعَلِيهِ اَبْنَعُ
 وَتَوْضِيحِ تَفْسِيرِ عَلَوِي فَرَمُودِ مِيقَاتِ اِبْنِ خَبْرِ عَظِيمِ اِرْزَمَانِ طُورِ قَائِمِ مَوْعُودِ
 مَعْلُومِ مَكْرُودِ اَنْتِي اِبْنِ حَدِيثِ شَرِيفِ صَرْحِيَّتِ دَرِ تَوْقِيتِ طُورِ اَنْتِي
 شَصْتِ وَنَهْ كَمَا طُورِ قَائِمِ دَرِ سَالِ هَزَارِ دَوِيسْتِ وَشَصْتِ هَجْرِي اِتْفَاقِ
 وَحَسَنِ كَسْبِ عَدِ شَصْتِ وَهَشْتِ اسْتِ دَرِ سَالِ بَعْدِ اِرْزَمَانِ شَصْتِ وَنَهْ شُودِ
 كَمَا سَالِ اَوَّلِ طُورِ اَنْتِي اسْتِ دَرِ اَلْسَلَامِ بَعْدِ اِحْفَازِ حَضْرَتِ بَا وَهَمِ مَنَفَرِي مِيقَاتِ
 خَبْرِ وَبَشَارَتِ عَظِيمِ اِرْاِيَامِ طُورِ قَائِمِ مَعْلُومِ مَشُودِ وَبَدَسْتِ مَبَايِدِ يَعْنِي حِينِ طُورِ قَائِمِ

اتفاق افتاد در سال بعد حین هم منتظر استماع صحبت ظهور کلی الهی باشید
 که گوشه داهل عالم خواهد گردید توقیت این ظهور اعظم بکلمه (بعد حین) از
 مطالب مسلمه در مورد مقدمه حضرت خاتم اشتمین ائمه طاهرین سلام
 علیهم اجمعین است چنانکه در غالب اخبار معتبره باین فقره اشاره شده ولی
 این مقام کنجایش شرح و بسط ندارد نقطه اولی اصل ذکره الا علی هم در بیان مبیح
 ظهور (من ظهوره الله) را در سنه تسع معین کرده و در بیانات خویش بکلمه
 بعد حین تصریح فرموده بحال اقتصار باین مقدار اولی است
 عالم حلیل الشح نسلیمان اینی ابیحی القذوری الحنفی در کتاب سابع الموده
 از طرق اهل بیت نقل و روایت نموده فی قوله تعالی وَتَلْعَمَنَ نَبَاهُ بَعْدَ حَسَنِ
 قَالَ وَتَلْعَمَنَ نَبَاهُ اِمِي نَبَاهُ الْقَائِمِ عِنْدَ خُرُوجِهِ يَعْنِي فِي تَفْسِيرِ آيَةِ شَرِيفَةٍ وَارَدِ
 گردیده است که میفرمایند از ایام ظهور مهدی موعود خبر قائم سال شصت و نه
 بر شما معلوم خواهد شد اتمی در حدیث نبوی معتبر حضرت رسول از برای ابی

کعب میقات این ظهور مبارک را در سنه بعد حین معین نموده میسر ما
 و سوف نیکرون یا اقول لکم ولو بعد حین یعنی زود باشد که بخاطر بسیارند خبر را
 که من میگویم اگر چه در سال بعد حین متذکر خواهند گردید شاهد و ماخذ این اخبار
 آیات و آخر سوره ص است (قل ما آتاکم الی آخرها) که در ضمن احادیث
 مذکوره شرح و تفسیر شد.

۸۲

فصل دوم

در ذکر اخباری که مشعر است بتعیین محل ظهور که اراضی کوفه و دار السلام
 بغداد است از آن جمله در صفحه (۱۸۴) بحار الانوار از کتاب کمال التین
 نقل شده عن الثمالی قال قال ابو بصیر انظر الی القائم قد طهر علی بن الحنفیه
 فاد اطر علی الحنفی یشرایه رسول الله من عمودها من عرش الله بنار
 و تعالی و سایرها من نصر الله جل جلاله لایبونی بها الی احد الا اهلک الله
 عزوجل یعنی ابو حمزه ثمالی از حضرت باقر روایت نموده که من مودها من
 می بینم قائم جل کبریاء را که در حد و کوفه ظاهر شده و چون اظهار امر فرمود
 روایت رسول خدا را می شناید و اولوایی است که چوب پایه اش از
 ستون عرش خدای پوشش وی از نصرت حق جل جلاله است با آن
 روایت بسوی احدی نهضت نخواهد نمود جز اینکه من عند الله
 بهلاک ابدی گرفتار و دچار میگردد انتی مقصود از حنف الکوفه اراضی

۸۳

دارالسلام است چه که نجف زمین مرتضی را گویند که مانع از ورودی باشد
 قبل از بنامی دارالسلام آخود و سواد کوفه یا نجف الکوفه خوانده میشود
 اخبار متعلقه بان ناحیه باین عنوان مابعد است در جلد وفات مذکور گردید
 ۸۴
 شیخ سلیمان السنجی الحنفی در کتاب سیاح الموده خلاصه حدیث نبوی را
 از کتاب درة المعارف نقل نموده که در حق اصحاب حضرت مهدی
 میفرماید کَلَّمَهُ شَبَانٌ لِأَكْثَلِ فَمِمْ وَكَيُونٌ دُرٌّ لِكَلِّهِ الْكُوفَةُ يَعْنِي اصْحَابَ
 آن حضرت جوانانند کسی در میان ایشان بس کبولت نیست
 و مقامی که در آنجا اظهار سلطنت میفرماید کوفه است ایضا از کتاب
 مسکات المصابیح نقل نموده عن ابی هریره قال قال رسول الله صرح
 بِثَوْبِكَ الْفُرَاتُ أَنْ تَخْتِمْ عَنْ كَنْزِ مَنْ ذَهَبٍ فَمَنْ حَضَرَ فَلْيَأْخُذْ مِنْهُ شَيْئًا
 یعنی زود باشد که در کنار فرات گنجی از طلا ظاهر و هویدا شود ولی هر که در
 آن زمان حاضر باشد نه باید از او چیزی بر باید (و بعبارة اخری طلب و

۸۵

تقاضا را موقوف در دما فضل و موهبت الهی اورا در باید) انتهى توضیح این
 گنج در حدیث شریف علوی مذکور گردیده چنانکه در کتاب انیس السمر اوسمیرا بحسب
 نقل و روایت شده ان امیر المؤمنین ذات یوم حث علی اوراق و یلقیها لی
 سَطِّ الْفُرَاتِ فَسَأَلُوا الْأَصْحَابَ مَا السَّبَبُ فِي ذَلِكَ فَمَا كُتِبَتْهُ قَالَ
 تِلْكَ أَسْرَارُ الْكُتُبِ وَالْقِيَامِ إِلَى سَطِّ الْفُرَاتِ فَيُطْرَقُ بِهَا مِنْ لِسَانِ رُضْلِ مَنْ
 أَهْلِ الْفَارَسِ یعنی حضرت امیر المؤمنین علیه آلاف التحية والثناء اراد
 مشاهده نمودند که مطالبی در اوراق مرقوم داشته بسط فرات میبند
 اصحاب مضمون مکتوب سر این عمل از حضرتش سوال کردند فرمود اینها
 اسراری است که شمار ایات درک او نیست نوشته بسط میبند از م ولی
 زمانی خواهد آمد که این اسرار از لسان مقدس شخصی از اهل ایران ظاهر و آشکار
 میگردد

شایده و ماخذ اخبار این فصل آیه (۱۲۷) سوره الانعام است قوله تعالی لَنْ نَمُنَّ

دارالسلام عند ربهم وهو لهم بما كانوا يعملون یعنی در حق اهل ایمان مقرر
 است که در دارالسلام بحضور پروردگار خود مشرف شوند و او است
 ولی عباد و تمام امور و اعمال .

۸۶

فصل سوم

در ذکر اخباری که مشعر است بعنوان الوهیت سلطان ظهور روح من
 فی الامکان شراب اقدام احبائه العذار ان جمله در کتاب فصل الخطاب
 از بحار الانوار نقل شده عن ابی جعفر انه قال ان الله اذا ابد الله ان
 یسین خلقه و یجمعهم لما لا بد منه امرنا و یا فنادی فاجتمع الناس و انجس فی امر
 من طرفه العین ثم اذن السماء الدنيا فنزل و كان من راء الناس و اذن السماء
 الثانية فنزل و هی صنفت التي تليها فاذا ارا اهل السماء الدنيا قالوا اجاء ربنا
 فيقال لا و هو ات حتى ينزل كل سماء يكون كل واحد من و راء الاخرى و هي
 صنفت التي تليها ثم ينزل الله في ظل من العمام و الملائكة تنضي الامر و الى
 تخرج الامور یعنی چون اراده فرماید حق تعالی که عباد را از یکر فصل و تمیز دهد
 و نیک از بد جدا کند و خلق را بجهت حشر اکبر که حتمی الوقوع است جمع گردانند
 الهی ابدار و دعوت خلائق امر فرماید و جن و انس باشتابی سیرت را چشم

۸۷

بهم نهادن مجتمع شوند و بعد بسما در دنیا که نزد یکتین آسمانها است از آن
 دهد که بر اثر مردم بر زمین بسبب ط نمایند و سپس با آسمان و م اذن جوع و بزد
 دهد و بر سمانی دو برابر آسمانی است که پس از وی نازل میگردد و چون اهل
 ۸۸ سما در دنیا نزول اورا مشاهده کنند گویند پروردگار ما آمد در جواب بانان گفته
 میشود این میل قدس خدای شان نیست ولی اینک حق تبارک و تعالی
 خواهد آمد و حال بر این منوال است تا هر آسمانی بر اثر دیگری راجع میشود
 هر یک ضعف سما بعد است پس از نزول سموات سبع در انجام امور
 خدای تعالی بسبب و نزول میفرماید با کلامی که در امر منقضی میشود بسوی خدا
 راجع میگردد امور عبارت از خرمی تمام شریع و ادیان انتی اغرض از
 منادی الهی در این مقام نقطه اولی علی اسمی الاعلی و مقصود از سموات منطوق
 کلیه الهیه و هیاهل قدسیه صمدانیه است که بتاسیس شریعت مستقیمه
 مبعوث گردیدند چنانکه در اخبار متعدده باین فقره اشاره شده از آن جمله

در تشبیه رسول خدا بسما حدیثی است که در تفسیر صافی روایت شده
 ذیل آیه (۶) سورة الرحمن قوله تعالی و السما رفعتها و وضع المیزان یعنی
 آسمان خدای تعالی مرتفع نمود و میزان معدلت در میان عباد نصب
 فرمود در حدیث وارد گردیده و السما رسول الله رفعة الله الیه و المیزان
 امیر المؤمنین یعنی مقصود از آسمان حضرت رسول علیه اطمینان است
 که خدای تعالی با وج قدس صعود داد و غرض از میزان امیر مؤمنان است که
 اورا فیما بین عباد بعدل داد و منصوب فرمود انتی دو برابر بودن هر یک
 از سموات سبع نسبت بسما بعد اشعاری است باینکه قوای هر یک از
 مظاهیر احدیه ضعف قوای شارع قبل است سما در دنیا هم اشاره بخاتم النبیین
 علیه ابع النور و البهائم است که نسبت بذات احدیه اقرب مظاهیر است
 و عصر متعش بلور ظهور است از قرون دیگر نزدیکتر شیخ عارف بزرگوار در
 عالم عالمیت دار ابوالفضل احمد بن ابی سعد بن محمد بن احمد در کتاب کشف الاسرار

وعدة الابرار که از تفاسیر معتبر علماء سنت و جماعت است در تفسیر آیه
 (۲۴) سوره آل عمران قوله تعالى اذ اجتمعناهم ليوم لا ريب فيه
 یعنی چگونه خواهد بود حال مردم چون آنها را در روزی که شک و ریبی در
 وقوعش نیست مجتمع نمائیم از حضرت رسول علیه اطيب التحيه والتكريم
 روایت نموده قال لنبی صلی الله علیه وسلم یخرج الله الخلق یوم القيمة
 فی صعيد واحد ثم یطعن عندهم رب العالمین فقیول یتبع کل انسان ناکان
 یعبه ویسقی المسلمون یح عندهم و یح نفسه ثم یقول انما یعلم فاتبعوا لنبی
 یعنی حضرت رسول فرمود که در روز قیامت خدای تعالی که پروردگار
 عالمیان است خلق را در یک قطعه زمین جمع میکند و طلعت مبارک خویش
 بر ایشان طالع میگردد و میفرماید هر یک از شما پیروی معبود خویش نماید
 هر کس بطرفی می رود ولی آنان که مسلم و تابع دین هستند باقی میمانند آنگاه جمیع
 مسین حق بر ایشان ظاهر و طالع میشود و خویش را بر ایشان می شناسد

و پس میفرماید منم خدای شما پیروی مرا اختیار نماید انتهى امر جمالمبارک
 حل ذکره و کبریا نه خلق را باینکه دنبال معبود خویش گیرند اشعاری است
 بخارج گردیدن اتباع محیی اطل امر الله و پیروی عقل را اختیار نمودن نشاء
 این اخبار آیه (۲۰۶) سوره البقره است قوله تعالى هل یظنون الا ان
 یأتیهم الله فی ظل من العمام و الملائکة یفشی الامر الی الله یرجع الامور
 یعنی آیا منتظرند جز این را که ظاهر شود ایشان خدا می تعالی در قطعات
 ابر با ملائکه و منقضی شود امر و بسوی خدا راجع گردد شراعی و ادیان انتهى
 در کتاب صافی در تفسیر این آیه از حضرت باقر علیه اطيب البهاری روایت شده
 قال یزید فی سبع قباب من نور ولا یعلم فی آیتها هو یزید فی ظهر الکوفه
 فلهذا حسین یزید یعنی آن حضرت فرمود که خدای تعالی در میان هفت قبه
 از قباب نور نازل میگردد و ابتدای امر معلوم نیست در کدامیک از
 این هفت قبه حق تعالی تجلی میفرماید محل تجلی و نزول خدای اراضی است

گفته است این است مقصود از نزول خدای تعالی الهی غرض از بهفت
 قبه نور بهفت نفر از بهایکل قدسیه نورانیه است که در ظل جمال قدم و
 دار اسلام شدند قبل از اظهار امر معلوم نبود که حقیقت منظر الهی
 از کد امیکب بر نور تجلی میفرماید و این بود مقصود از قطعات ابر تا اینکه جمال
 اقدس ابی اظهار دعوت فرمود و کشف عطا شد و پرده از وجه امر مرتفع

گردید.

۹۲

فصل چهارم

در ذکر اخباری که مشعر است به حالات حجاب و خواص اصحاب بعد از
 اظهار امر جمال قدم حل ذکره الاعظم که چون در دار اسلام ندای الهی و دعوت
 حق استماع میکنند از آستان مقدس متفرق و بجزرش کافر میگرددند
 ولی عاقبه الامر جمال تضرع و خشوع مراجعت نموده بعبثه سایه اش ساجد میشوند

۹۳

از آن جمله در صفحه (۱۹۱) بحار الانوار از کتاب کافی نقل شده عن ابی عبد الله
 انه قال کاتی بالتعام علی منبر علیه قبا فخرج من ریان قبا کتابا مضمونا بخاتم
 ذهب فیعله فقرأه علی الناس فحفظون عنه اجماعا لغنم فلم یبق الا ان
 فی کلام کلام فلا یحتمون بلجاء احشی یرجعوا الیه انی لا اعرف الکلام الذی یشکل
 یعنی حضرت صادق علیه آلاف التحية والثناء فرمود گویا مشاهده میکنم قائم
 جل کبریاء را که بر سندان جالس گردیده و قبائی در بردارد و از گوشه وی
 کتابی را مضموم بخاتم ذهب بیرون آورده میگشاید و بر خلق قرائت میفرماید

و مردم چون گو سفندان از حضرتش گریخته متفرق میگرددند و جز نقیصه احدی
باقی نماند سپس بکلامی تکلم نمایند و اصحاب هر جهت متوجه میشوند بجا و پناهی نبینا
و عاقبت با گشت نموده باستان مبارکش راجع میگرددند همانا من میبندم
بچه کلام تکلم میفرماید که اجاب از گردش میباشند.

این حدیث بطرق متعدده روایت شده از جمله در خبر دیگر که بهین مضمون است
میفرماید گویا می بینم حضرت قائم حل ذکره و شاه را که در زمین کوفه برود ساده
امراته جلوس نموده و در آخر حدیث میفرماید سوگند خدای را امیدانم
آنچه را که آن حضرت اظهار میفرماید و بان سبب با کافر میشوند استنی
مقصود از قبائی که در حدیث شریف مذکور گردیده مستور بودن جمال قدم حل
ذکره الا عظم است بحیات نوریه چه که اهل بیان در ابتدای ورود بدار السلام
ذات مقدس حتر از حروفات بیانیة تصور نمودند تا اینکه طلعت شد
نور ایزد باسطه کشف عطار فرمود و بانامل قدرت حتام مسکر از کتاب الهی کشود

عالم عامل و عارف کامل ابو الفضل احمد بن ابی سعد در کتاب کشف الاسرار
و عده الا برارد تفسیر او اهل سوره آل عمران از حضرت رسول علیه
النور و البهار و روایت نموده که میفرماید فیما یتیم الله عزوجل فی غیر
التي یعرفون فقیول انما یرکم فقیولون نعوذ بالله منک هذا مکاننا حتی
یا مینا ربنا فاذا جاز ربنا عرفناه فیما یتیم الله عزوجل فی الصورة التي
یعرفون فقیول انما یرکم فقیولون ربنا فقیولون یعنی در ابتدای امر خدای عزوجل
بر خلق ظاهر میشود ولی بغیر آن صورتیکه از قبل حضرتش همیشه نداشتند
الوهیت میفرماید لهذا با بکارش مبادرت نموده میگویند از تو بخدای سنا یتیم
و از مقام خود حرکت نخواهیم کرد تا خدای ما ظاهر شود زیرا بشناسانی پرورد
خویش ما را دانش است و دم بار خدای عزوجل بصورتی برایشان ظاهر گردد
که خلق در معرفت حق با طریق ما نوسند اظهار بوبیت خویش نماید
و مردم تصدیقش نمایند و گویند توئی پروردگار ما و بطل امرش در آیند استحقاق

مصداق این بیانات در اسلام با منطبق بود که جمال قدم جل ذکرة الا
 ابتداء رسال شصت و نه ستر اظهار فرمود چون اهل بیان قبل وجود
 مبارک را از حر و فاقب سینه تصور نموندند اظهار الوهیت را بر خلاف عرفان
 ۹۶ خود مشاهده نموده با نکار قیام کردند و بمعارضه پرداختند جمال مبارک هم بسلیمانه
 هجرت فرمودند این بود که جمیع اصحاب پریشان گردید و اخیراً در کمال خشوع و
 ضراعت بساحت مقدس مشرف گشتند و جبهه نیازمندی باستان پیش
 سووند و مسألت مراجعت بدار السلام نمودند بار دیگر جمال قدم در بغداد ظهور
 اظهار دعوت فرمودند چون اظهار امر انزول آیات فطریه مقرون دیدند و از
 قبل مطهر احدیه را باین محبت و دلیل شناخته بودند لهذا بتصدیق امر الله
 موفق گردیدند شاید و ماخذ این اخبار آیه (۳۴) سوره المؤمنین است قوله تبارک
 و تعالی یا قوم انی آخاف علیکم یوم التناد یوم تولون بدترین مالکم من الله
 من عاصم من یضلیل الله فما له من هدی یعنی ای قوم من خائیم بر شما از یومی که منادی

حق بنده و دعوت قیام نماید زیرا در آن روز با عتاب خویش راجع میگردد و
 بدعوت امر الله او بار نموده متفرق میشوید با اینکه احدی جز خدای شمارا حفظ ننماید
 ۹۷ و هر که را خدا همراه خواهد آورد و الهادی در آسمانی نخواهد بود و ایضاً آیه (۲۶) سوره
 یونس است قوله تعالی و تقدس والله یدعوا الی دار الاسلام و یندی من
 یشاء الی صراط مستقیم یعنی خدای علی خلق ابدار السلام دعوت خواهد کرد و
 کرا که مشیت مبارک اش اقتضا نماید بر او راه راست هدایت میفرماید

اصل چهارم

در ذکر اخباری که مشعر است بجهت جمال اقدس اجمالی ذکره الا عظم
بشام دمشق و بیت المقدس و ارض اقدس عکا و تعیین مدت عمر و سال
مبارک و در سه فصل مرقوم میشود.

فصل اول

در ذکر اخباری که مشعر است بجهت جمال مبارک بیره شام و ارتفاع مذاهی ام
از حد و شامات از آن جمله در صفحه (۱۷۸) بحار الانوار از کتاب الغیبه نعمانی نقل
شده عن محمد بن اسمعيل انه قال تَوَقَّعُوا الصَّوْتِ مَا تَكُونُ بَعْتُهُ مِنْ قَبْلِ مَشْرِقِ
فِيهِ كَلِمٌ وَرَجَّحَ عَظِيمٌ يَعْنِي مُحَمَّدٌ مِنْ حَضْرَتِ بَاتِ عَلَيْهِ الطَّيِّبُ وَالبهاء روایت نموده که فرمود
قطرندای الهی باشید که ناکمانی از طرف دمشق گوشه شما میگردد در ارتفاع
انصوت از برای شما فرج عظیم است شیخ کامل حلیل ابو عبدالله محمد بن یونس
بن محمد الشافعی در کتاب کفایه الطالب روایت نموده عن ابی نصره قال کُنَّا

۹۸

۹۹

جابر بن عبدالله فقال يوشك ان العراق ان لا يبقى اليهم فخير ولا ذم قلنا
من اين ذاك قال من قبل نعم يمشون ذاك ثم قال يوشك ان اهل الشام
ان لا يبقى اليهم دنيا ولا دنيا قلنا من اين ذاك قال من قبل الروم ثم
هتته ثم قال قال رسول الله يكون في اخر امتي خيفة تحثي المال ضياء لا يفتد
عدا ابونصره روایت نموده گوید که ما نزد جابر بن عبدالله انصاری ر که از بزرگان
اصحاب پیمبر است حاضر بودیم گفت و د باشد که ساکنین عراق (عرب
یعنی دار السلام) بسختی دچار شوند و از اموال و اوراق محروم مانند لقمه سبب
این سختی چیست گفت اهل ایران صد و ممانعت آنان از مال و منال بر میآیند
بعد گفت چندی نگذرد که متوطنین شام نیز چنین بیهوشه اند بستاندند گفتیم
علت این گرفتاری چیست گفت از طرف کارگزاران و م این منع و حرمان
اتفاق میافتد سپس قدری سکوت نموده گفت سول خدا فرمود در چنین موقع
و مقام که پایان دوره امت نیست مسند ریاست الهیه بوجود مقدس شخصی ازین

میگردد که عطایای اوبی اندازه و نهایت است مال او در نظر مبارکش قدر
 و اعتباری نیست انتی شده ساکنین عراق و شام اشاره بشد انده بلایه
 اجابت است که در دار السلام از کار گذاران دولت علیه ایران بایشان
 ۱۰۰ وارد شد و پس از آنکه در ظل مبارک جمال قدم بر تپه الشام بجهت کردند امر
 و بزرگان دولت بهینه عثمانیه بسبب سوء اعمال اتباع یحیی با ذیت و عداوت
 اخبار الله قیام نمودند و بی نهایت بر آنها سخت گرفتند تا خدا این اخبار
 (۴۰) سوره ق است قوله تعالی و استمع یوم نیا دی المنادی من کانت
 یوم یسمعون الصیحه با محق ذلک یوم الخروج یعنی شنوندای الهی را
 روزی که از مکانی نزدیک بجایگزیند تو میگردد زیرا آن روز است که خلق صحیفه
 آسمانی را بر تپه می شنوند و رجعت و خروج محقق میگردد

فصل دوم

در ذکر اخباری که مشعر است بورد و جمال قدم جل ذکره الاعظم با رض
 اقدس بیت المقدس و نقطه عکاز آن جمله در صفحه (۱۹۱) بحار الانوار
 از کتاب الغیبه نعمانی نقل شده عن عبدالله بن سنان قال سمعت
 ابا عبدالله یقول کانت عصا موسی قضیب الی من عرس الحنجه تاه
 بها جبرئیل لما توجه تلقا مدین و هی تابوت آدم فی شجره طبریه و کنی
 و کن تنغیرا حتی شجرهما القارم اذا قام یعنی عبدالله بن سنان و آیه
 نموده که شنیدم از حضرت صادق علیه اطمینان البها میفرمود عصا
 موسی شانه درخت کلی از نهالهای بهشتی بود که جبرئیل از برای حضرت
 کلیم علیه اطمینان البها آورد و زمانی که آن حضرت نسبت بدین متوجه
 و آن عصا که مقصود از او عصای امر است با تبوت عهد آدم در دریا
 طبریا است ابد آنکه و پوسیده نشوند و تفسیری بنهاره نیاید این که حضرت

۱۰۱

قائم جل کبریاة را از بحیره بیرون آورد و آن نقطه با مرقم فرماید صیبت عو
مرتفع گردانتهی محدث علیل القدر شیخ الحافظ جب البرسی که از بزرگان
علمائشیه است از حضرت امام حسن مجتبی علیه آله و آله روایت نمود
که از آن حضرت سوال شد ارواح مؤمنین در چه نقطه مجتمع میگردد جواب
فرمود مجتمع عند صخرة بیت المقدس و منهل العرش الاذنی و منها یسقط
الله الرزق و یطویها و الیها المخرج یعنی ارواح اهل ایمان در کوه کرمل که
فیما بین سلین بصخرة بیت المقدس موسوم است مجتمع میگردد و آنجا است
عرش ادنی و از آن نقطه رزق خلق منبسط میگردد و آنجا بر میگردد یعنی از آن
ارض مقدس قبض و بسط ارزاق روحانیة مقرر خواهد شد و حشر اکبر در آنجا
واقع میشود حافظ ابوسعید اصفهانی در حدیث (۱۳۴) خطبه حضرت رسول
علیه الطیب البهارا در ذکر قائم خروج و حال روایت نموده از جمله میفرماید
فقالتم شرکاء فاین العرب یومئذ یا رسول الله قال هم قبیل یومئذ

۱۰۲

۱۰۳

و جل بیت المقدس اما هم المهدی یعنی ام شریک بحضرت قائم ابیه
عرض کرد که در آنروز عرب چون خواهند بود فرمود مؤمنین عرب آنروز
اندکند و نفوس معتدیه از آنزایان کسانی هستند که در نقطه بیت المقدس
بشرف لقاء و متابعت حضرت مهدی تعالی ذکره و شانه مشرف میگردد
عارف مکاشف و شیخ بزرگوار شیخ محیی الدین بن عربی در فتوحات کلمیه
خلاصه اخبار نبویه را در شرح حالات حضرت مهدی ذکر نموده و از آن جمله
میفرماید نشید العظمی یا ائمة المدح عکاک یعنی مشایخه میکند انقلابات
عظیمه و حوادث جسمیه را و میگردد بساط میمانی خدا را در نقطه عکاک شایه و یا
این اخبار آیه (۱۳۳) سوره التارغات است قوله تعالی فایما هی زخزعة و
فاذا هم باتسایرة یعنی همانا کسانی صیحه دیگر ظاهر میشود و در آن هنگام مردم
در زمین ساپره مجتمع و حاضر میگردد در کتاب صافی از علی بن ابی اسیم قمی روایت
نموده از تفسیر اهل بیت علیهم السلام که فرموده اند الزخزعة النسخة الثانیة فی

والتساهرة موضع بآشام عند بيت المقدس يعني مقصود از صیحه نفخه دوم
است که در صور دعوت دمیده میشود و ساهرة محلی است در بریه الشام نزدیک
بيت المقدس انتهى نفخه اولی که در صور دمیده شد ای امر قائمی است
و نفخه ثانیه ارتفاع صیحه دعوت ظهور الله است و ساهرة کلی از اسامی اراض
اقدس عکا، و کوه کرمل است که جزایر شام اراضی مقدسه محسوب گردید.

۱۰۴

فصل سوم

در ذکر اخباری که مشعر است بتعیین عصر مبارک که از ابتدای الهام
تا یوم صعود و حدوث قیامت کبری چهل سال طول کشید چه که در سنه
بعد صین الهام دعوت فرمودند و در شداد صعود اتفاق افتاد از آن جمله
در صفحه (۲۱۵) بحار الانوار کتاب منتخب البصائر نقل شد عن المعلى بن
وزيد الشحام عن ابي عبد الله قال سمعناه يقول ان اول من يؤمن بي
الرحمة الحسن بن علي و يملك في الارض اربعين سنة يعني معلى و زيد
هر دو از حضرت صادق روایت نموده اند که میفرمود اول کسی که در
سلطنت الهیه قیام میفرماید حضرت حسین صل کبریا است مدت ملک
و توقف هر یک معش در خاکه ان تری چهل سال است انتهى
و در صفحه (۱۷۴) بحار الانوار کتاب احتجاج شرح طبرسی نقل شده عن الحسن
بن علي بن ابي طالب عن ابيه قال سمعت الله رجلا في آخر الزمان و كذب

۱۰۵

مِنْ الَّذِينَ هَجَلِ مِنَ النَّاسِ إِلَى أَنْ قَالَ تَضَطَّحَ فِي مَلِكِهِ السَّبَاعُ وَتُجْرَجُ الْأَرْبَابُ
 نَبْهًا وَتُنزَلُ السَّمَاءُ بَرَكَاتًا وَتُظْهِرُ الْكَلْبُورُ مَلِكًا مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ عَامًا
 فَطُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ أَيَّامَهُ وَسَمِعَ كَلَامَهُ يَعْنِي حَضْرَتِ مَامِ حَسَنِ مَحْتَسِبِي زَيْدِ ۱۰۶
 بزرگوارش حضرت امیر المؤمنین علیه الطیب البهار روایت نموده که فرمود
 مبعوث میفرماید خدای تعالی شخصی را در آخر زمان نشاندند روزگار و جهالت مردمان
 و بیاناتی در اوصاف مبارک ذکر نموده در انجام فرمود در ایام سلطنت آنحضرت
 درندگان عالم بصدح و صلاح قیام می نمایند زمین نباتات خود را ظاهر
 میسازد و آسمان برکات خود را نازل میکند و گنجهای نهفته آشکار میگردد و
 سلطنت او در شرق و غرب منبسط میشود و مدت او چهل سال میرسد خواه
 حال کسی که در آن ایام نماید و باستماع آیات و کلام آن حضرت فرقی
 شود انتهى عارف مکاشف و مفسر بزرگوار ابوالفضل احمد بن ابی سعید
 تفسیر آیه (۷) سوره آل عمران قَوْلُهُ تَعَالَى رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَازِمٍ
 نَسَبُهُ

یعنی پروردگار اهبانا توئی که مجتمع خواهی فرمود مردم را بجهت روزی که شکست
 و ریزی در وقوعش نیست انتهى حدیثی از حضرت رسول علیه افضل التیمه
 و التسلیم روایت نموده که میفرماید یَسْمَعُ اللَّهُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ لِمِيقَاتِ ۱۰۷
 یَوْمٍ مَعْلُومٍ أَرْبَعِينَ سَنَةً شَاخِصَةً أَبْصَارُهُمْ إِلَى السَّمَاءِ يَنْتَظِرُونَ فَصَلَّ الْفَضْلُ
 یعنی مجتمع میگردد خدای تعالی انفس اولین و آخرین را در روزی که مینماید
 او مقرر و معلوم است چهل سال و در این مدت با کمال خشوع و خشیت بسیار مشتت
 دیدند و وحته منتظر فصول یافتن قضایا و دادری حق تعالی هستند شاید این
 آیه (۱۴) سوره الاحقاف است قَوْلُهُ تَعَالَى وَتَقَدَّسَ وَصَيْنَا الْإِنْسَانَ
 بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا مَحَلَّةً لِمَا كَرِهَ اللَّهُ لِعِبَادِهِ وَتَضَعُهُ لِرَبِّهِ وَحَلْمَهُ وَفِي صَالَةِ رَمْلَتُونَ شَهْرًا حَتَّى
 إِذَا بَلَغَ آسَدَهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَعْنِي إِنْسَانَ أَدْحَقَ الدِّينِ سَنِي
 واحسان توصیه نمودیم ولی مادرش اطاعت حل می نمود بکره است
 تحمل کرد و وضع حل نمود و زمان حمل و فصالتش در سی ماه بسته آمد تا قوای

معنوی حضرتش کامل شد و آیتش پهلپسال بالغ گردید انتهی کریمه شریفه
 باتفاق اعظم مفسرین شیعه در حق حضرت حسین جل ذکره و ثنائیه نازل
 گردیده و تاویل آیه مبارکه راجع بیوم جمعیت حسینی است چنانکه در باب الزحجه
 ۱۰۸ بحار الانوار از تفسیر علی بن ابراهیم قمی نقل و روایت شده ان الله اخبر
 رسول الله و بشره باحسین قبل خلقه وان الامامة تكون في اولاده الى
 يوم القيمة ثم اخبره بما نصيبه من القتل و المصيبة في نفسه و اولاده ثم عو
 بان جعل الامامة في عقبه و اعلم انه فصل ثم تروى الى انه نزلت هذه المعنى
 بهما خدا تعالی رسول خویش ابولادت و طلوع شمس طلعت حسینی تبارت
 داد پیش از آنکه آن حضرت بعالم شود قدم گذارد و اخبار فرمود که تا روز قیامت
 ذریه طیبه آن بزرگوار با ما امت اختصاص خواهند داشت و شهادت
 آن حضرت و مصائب خود و فرزندانش را بر رسول اکرم خبر داد و در عرض
 باین تبارت حضرتش را مستبشر فرمود که امامت در عقب آن بزرگوار

۱۰۹

خواهد بود پس ارشادت دوباره بدینا رجعت میفرماید و در یوم جمعیت مظهر منصوص
 است انتهی تحقق مصداق بیانات الهیه در یوم تاویل با منظر حق است که پس
 از انقضای مدت سی شتر تمام که سی سال کامل است ایام حمل و طعام ولادت
 روحانیه الهیه کامل شد و بلوغ آشفته و بعبارۀ آخری طویل قوای معنوییه به هفت
 سال که دوره امر قائمی است بالغ گردید و در آخر سنه بعد حسین اوایل سال
 هفتم صدیقات امر حضرت اعلیٰ سبر آمد و صیت ظهور الله مرتفع و شمس حقیقت
 مشرق گردید و در سنه شداد که سیصد و نه (۳۰۹) است اربعین سنه بنیاد
 رسید بیانی روشن بزرگوار عالم که بمنزله مولود روحانی است در ظل امر
 مبارک بالغ و کامل میگردد در سی سال ایام حمل و فصاحتش منقضی شد و در هفت سال
 قوای معنوییه وی کامل گردید و در این مدت چهل سال منتهی در وجه کالات
 خویش نائل آمد و سپس ایام غیبت فرارسید و شمس احدیت غروب فرمود و دفتر
 پیچیده شد و امر در مرکز شتاق قرار و استقرار یافت .

تقدیم ذرّه که نامش از کثرت تحارت لایق ذکر نیست بیضا ممتدس و نفراً
نفوس قدسیه ربانیه بابتین بریشاق حضرت عبد البهار روح من فی
الملک و الملکوت لعبودیته و مظلومیته الفداء در سال ۱۳۲۴ هجری
نام گرامی و نفس ممتدس بانی علیهما از کی التّحیة و البهار حضرت میسودرایی
علیه الطیب البهار و ابدع النور و التّشایر حضرت مس بانی علیهما الطیب البهار
و ابدع النور و التّشایر .

این بنده شرمند احمد الموسوی الهدانی

چون استدلالیه حضرت سید احمد موسوی الشیر صمد القصد و علیه الطیب البهار
و النور که متضمن آیات و احادیث و اوده در شارت بظهور حضرت نقطه اولی
و حضرت جمال اقدس اسی بخط شاکسته متعلیق شیوا بگونه ای تحریر گردید که خواننده
و استفاده از آن خبر برای عده امی معدود و سهولت امکان پذیر نبود لذا بمحاط
ایک کلمه طبقات جامعہ بتوانند براحتی از مطالب سودمند این کتاب مختصر
نویس بهره مند گردند عیناً از روی نسخه مزبور بخط متعلیق تحریر و با دقت مقابله
گردید .

تذکر

در صفحه ۸ مرقوم گردیده : یا اُمّ هانی قالت قلت قول الله عزوجل
 و در صفحه ۴۶ فرزند جناب ابوالفضائل عیناً مرقوم گردیده : یا اُمّ هانی قالت
 قلت قول الله عزوجل بحار عربی جلد ۱۳ مطالعه شد متن حدیث عیناً
 همین است که هم جنابان ابوالفضائل و صد الصدور مرقوم داشته اند
 در صفحه ۱۳ مرقوم گردیده : مقصود از اسپین اعلین
 در اصل حدیث اسپین اعلین است .

صفحه سطر	اشتباه	صحیح
۲۸ ۱۱	يَطَا بَطْمُ	يَطَا بَسَطْمُ
۵۹ ۱۰	باب	در نسخه اصلی همین است اما بنظر میرسد یک با اضافه باشد باب افطار نمودند
۱۰۱ ۴	عصا موسی قضیب	صحیح باشد عصا موسی قضب

مکتوبی از جناب صدر الصدور

مقدمه

مکتوب استدلالی زیر اثر قلم جناب حاجی سید احمد مدنی مخاطب بنحو ان صدور
از قلم حضرت عبدالبهار حلّ شانه است که بدالالت شواهد مذکورہ در آن خطاب با جناب
عشق آباد نگاشته شده است.

جناب صدر الصدور لولکب فرزانی در آسمان امرالمی بود که خوش خورشید
و در بهمان دولت مستجل نخبه ماتی با سره دریم تربیت جوانان صاحب ذوق و استیلا
قیام فرمود که نه تنها در عالم مکتوت مترب آستان حق گردید بلکه یاد او بعنوان
مؤسس درس تبلیغ در دو بھائی جاودانی شد.

حضرت عبدالبهار در یکی از الواح در باره اشارت الیه چنین فرموده اند:
« از صدور حضرت صدر الصدور بر فوق اعلیٰ نہ چنان احزان احاطہ نموده کہ بی بیان آید ... »

بعد از صعود جمال اہی روحی لاجبائہ الفدا عبد البہار بیچ مصیبتی چنین متاثر شدہ۔

جناب آقا شیخ محمد علی قاشی در یکی از مراسلات متعدده خود بجناب صدر القصد
مطلبی شرح زیر مرقوم فرمودہ کہ محتملاً مکتوب جناب صدر کہ ذیل نقل شدہ
در جواب آنست، جناب قاشی بنویسد: «عرض و جبارت دیگر اندک المرجح
و فرصتی از برای آن حضرت باشد تعلیقہ ای کہ علت از دید شوق و شعف دوستان
عشق آباد شود مخاطباً کل مرقوم نہ مائید... جمعاً آرزوی خط مبارک را دارند و روز
و شب ذکر آن حضرت و در زبانهاست حتی جل جلالہ خدمات آن حضرت (را)
در عہد جا شہیر و اعلان نہ مودہ اجبا بوجود آن حضرت منتظرند»

ہیچیک از این دو نامہ تاریخ ندارد ولی با توجہ باینکہ جناب صدر در حدود سال
۱۳۱۵ قمری بطهران آمدہ و در همان سالہای اولیہ بعرقان موقوف شدہ بفاصلہ کوتاہی

یعنی دہ سال بعد در سال ۱۳۲۵ صعود کردہ است و جناب آقا شیخ محمد علی ہم در این مدت
ساکن عشق آباد و گاہ گاہی بطهران میآیدہ اند مکاتبات مشار الیہما در خلال این ایام
بودہ است. با توجہ باینکہ کلاس درس تبلیغ در سال ۱۳۲۱ تأسیس شدہ اشارت
مندرج در مراسلات جناب قاشی نیز با دروس فرہرور ربطہ دارد و لذت نظر میرسد
این دو نامہ بطور انحصار در خلال سالہای ۲۵-۱۳۲۱ نوشته شدہ باشد.
اما مطلبی کہ جناب صدر القصد در این مکتوب اشارہ فرمودہ، تحقیق دقیق در بارہ معارف
ادیان است کہ مشار الیہ بمبد و احاطہ وسیع بر کتب آسمانی بیان نہ مودہ، اذ
ادیان سابقہ را کہ زمان شہادت بیوم اللہ بودہ و بسبب ظلمانی کہ نجوم و کواکب و اقمار
ظہورات الہی منور شدہ مطابق و موافق دانستہ و ظہور کلمۃ اللہیہ جمال قدم در این
دور را کہ مصداق تحقیق شہادت است باستناد آیات کتاب آسمانی بنام بیوم
دیوم الملکوت بیوم الساعۃ و قیامت ذکر کردہ است. بکنندہ مورد نظر جناب
صدر القصد و کہ شواہد آن را از دستہ آن مجید برگزیدہ. این است کہ ہر ظہور حق

قدری بوده که بطبوع مظاہر الہیۃ روشن و نورانی گشته و فاصله دو ظهور که
آن هنگام مظاہر الہیۃ در عوالم غیب مستور بوده اند لیل اللیل و طلمت تعبیر شده
است ولی در کتب آسمانی تنها ذکر یک یوم آمده که آن یوم اللہ است یعنی دو
ظہور منظر کلی الہی. ماخذ آیات مورد استشہا جناب صدر الصدور در ذیل نامہ
ایشان قید گردیده تا خوانندگان علاقمند بہ اصل این آیات رجوع فرمایند.

در منی آیۃ قرآنی « لیلۃ القدر خیر من الف شهر » علمای تفسیر سخنان کرده
ولی رہ بجائی نبرده اند اما توجیہ جناب صدر الصدور کہ موضوع اصلی این مکتوب است
تنہا دلنشین است بلکہ با مفهوم کلی مطلب کہ حاکمی از مقایسہ یک شب باری
در ازار زمان است تناسب و توافقی معقول و منطقی دارد تا اہمیت دو کوتاہ ظهور
پیمبران او مقابل سالہا و قرنہای بطون کہ مردم از فیض بہریت بظاہر محروم
استگار سازد.

این نکته کہ حکایت از سعه درک و احاطہ منظمہ بہ کتب ادیان سابقہ دارد

صرفاً محض فحوص و محبت علمی ذکر نشدہ بلکہ مقصد جنابش این بوده کہ از اہمیت مدہی
بر اہمیت خدمت در این ایام تہ مبارکہ و دوستان اعظمت مقامی کہ در
ظل امر بدیع دارند آگاہ سازد و چنانکہ مطالعہ این مکتوب مطلب امدل میدارد.

مراتب شوق و شور و ہمتستان و سر و جناب صدر الصدور از خلال این نامہ
جلوہ امی مخصوص دارد. این احساسات قیقہ باعث رقت بیان شدہ و بکلام
ایشان آہنگ ترانہ ای خاص بخشیدہ کہ از خلال کلمات آن بوضوح
مشہور است بزیربائی و استگلی آن افزودہ چنین نظر میرسد کہ نشہ مکتوبی مطلب
چنان نویسنده را مشغول داشته کہ بعد از نقل شواہد ادامہ مطلب اجازت نہ
است بہمین علت نظر میرسد کہ نامہ نامتو مانده باشد اگرچہ کمال اطمینان باید
کہ مطلب پایان رسیده است.

برای کسب طلاعات بیشتر در بارہ جناب صدر الصدور جناب آقا شیخ محمد علی قاسمی
میتوان مکتب تاریخ امر مخصوصاً مصباح بہ اہت مجلدات پنجم و ششم مراجعہ نمود.

هو الاهی

هیوتی و حقیقتی تقدس نفوسکم الربانیة و انوار وجودکم النورانیة الفداریة الکریمه فانی را بحسب
ظاہر شرف زیارت آن میباید متعجب و جواہر مجروده روحانیة دست نداده ولی
سائش و نیایش حال اقدس بحی حال ذکره لاعلی حضرت عبد البہا کیست نہ من فی اللو
لذرات اب اقدام خدامت سببہ السامیة الفداریة کہ شروق و غروب او دخل کلمۃ
جمع نمود و بیک صراط دعوت و دلالت فرمود و کل را در تحت لوا مقصود استقام
داد و ہیات جامعه انسانیہ از جانب و مباینیت صوری عارضی ہمین دیانت
صیانت کرد و مستظہین سدرہ توحید را بکرامت مخصوص مخصوص قامت یافت
ہر یک انی باین عبادت من فی البلاد اطرب از بدیع و خلعت جدید گمانی و
گیر گئی فریزن کرد انید سبحان بتبارت السموات العلی و ملک ملکوت الانشا
و جبروت البقا من ان یعرف بعرفان و نہ او یوصف بوصف ماسواہ لیس له
حد محدود و لا سلطانہ احد و تقدیر و تدبیر و نشی و بصورتا یا مادہ و اعوانہ الاسما

حضرت مستطاب نقاۃ الثقباء و صفوۃ الاولیاء افاضت علی روحی لحواطفہ
ایام توقف طہران در اغلب مجالس و محافل شرح شوق و شور و حال و دلہ و انجذاب
و خلوص اولیاء و احتیاج آن سامان میسر و خستند و بجایای حسنه و خصائل
نفوس قدسیہ اندکرم میفرمودند و این فقرہ پیوستہ موجب حرمتی و نور سندی
خاطر دوستان الہی بود و مایہ انبساط و سرور و سبب و جہت و جہت و جہت
بخط عشق آباد شطری از جذبہ و انقطاع و خلوص و ربانیت و رحمانیت و نورانیت
آن لطائف وجود و ذایع حضرت مقصود فرمود و کلک گرسکک فرمودہ بودند کہ
مقلب قلوب و محرک افئدہ اجبا گردید چنانکہ گوئی بعضی از منقطعین بخلق جدید و
بعث بدیع نائل گشتند و فعلا نقل و تذکرہ قیام و استقام آن وجود منورہ
بیضا و نفوس مقدسہ نورانیہ بخدمت امر و اعلام کلمہ و ہبت تعالیم الہیہ و تصدیق
آیات شرح آثار و نشر نفعات حمانیہ نقل مجالس و محافل است و انجام ہر آن
باین ذکر خیر ہما یون مسکنی انتہام این و شسپندیدہ و سلوک اطوار جمیدہ

بعدی فانی را شیفته و مجذوب آن حقایق مجردة علویة و نفایس جواهر
ملکوتیه نموده که باحالت ناتوانی چون سلم سرتاپا زبان گشته و در هر مورد مقام
بنعت و ستایش مشغول و لیکن در آن باب بجز قصور خود متعمر نم و از این جنب
عظیم استغفار میجویم و از ساحت قدس اولیا الهی عفو و مغفرت میطلبیم چه که :

خودناگفتن ز من ترک ثنا است کاین دلیل هستی هستی خطا است
مدح تعریف است و تخریق حجاب فارغ است از مدح و توصیف افتاب
گرچه نفسیر زبان روشکر است لیک عشق بی زبان روشنتر است
هر چه گویم عشق را شرح و بیان چون بعشق ایم خجل باشم از آن
هم مگر قلم عیسوی دم مسیحا شیم حضرت محبوبی افاتشیح محمد علی روحی له الصلاه
در مقام بسط و بیل این مرام بچولان آید و شرفحات نماید و گرنه فانی را سالن
تقریر اکلم و الکن است و بنان تحریر عاجز و قاصر که بتواند شرح و تویح شوق و
هیام و سکر و غرام عاشقان جمال جانان محمدان سیریم حرم خاصه اولیا و جو

مقدسه منوره آن خطه و سامان پردازد و همیشه تقدیر بعنوان تنبیه و تذکر خود عرضه میداد

امروز روزی است که تمام بسیار و مقربین و اولیا و مصدقین و شهداء و صیالحین
از روی چنین یوم عظیمی استند و بحسب ذکر تقار اولیا این تسرن کریم فریاد و اشوا
بسخ اشیر رسانیدند و اخذ عدا امرا ته را از تمام اعم و مل عالم گرفتند و بشارا
این ظهور اعظم را در آنها درجه و وضع گوشه در خاص و عام فرمودند و
فی الواقع جمیع مطا هر احدیه و مطالع صمدانیه در قرون اعصارا ضحیه تمام
قومی تهت بر ترتیب و تکمیل نوع مکرر انسانی گماشتند و بزرگم و معارف در
اراضی قلوب مستعد کاشتند و باب زندگانی و بسبیل جلودانی عرفان الله آساری
نمودند و پنهای گشته و نهالهای نورسته اسپر تو اشرفات نیر قدم پروراند
نشو و نمادند تا در ریاض دانش و حکمت و حدیقه علم و معرفت ارجمند و برسد
گشتند و بعنایت از لیه الهیه تغذیه و تنبیه ریاضین و اشجار گلزار و غیاض موبته الله

کمال یافت که در چنین ذری و دایع سبحانی و لطائف غیب صمدانیه، کینون
 و هویت نوع بشری بشیگی ظاهر و هوید گردد و اکنون آن اقطان افراز فرما
 اجتناب انما است میعاد بنیاد انجا میده و بیقات اخذ نتیجه و مکرر رسید
 حتی جل جلاله در صحف سماوی و کتب آسمانی اوقات اشراق طلعات قدسیه و مظاہر
 کلیتہ البیہ را شب قدر خوانده و مدت غروب استتار انجم و افکار آسمان تشریح و ایضاً
 و سایر علم و عرفان ابدوره سلطنت و اقتدار طلعت احاطه دخان مظلم لیل التل تشبیه
 فرموده و از بدو ابداع عالم الی کنون خلق را نقطه بود و یک یوم عظیم شبارت داده اند
 او یوم الله و یوم الملکوت و یوم الساعة و القیمه الکبری است. حمد و ستایش
 آستان مقدس حال قدم جل ذکره الاعظم الاهی و نعمت نیایش ساحت
 اقدس حضرت عبدالبہار روح من فی سوادق الغیب الشہود و تراب اقدام خدا
 و مجتہد الفداء را که بفضل و منحت و موهبت کامله و اسعه بنویس این فانیان را در
 ہمچہ قرن نغم و عصر کریم و در در عظیمی دستگیری نمودند و تصدیق امر الله موفی و مؤید

فرمودند حال باید که در این عنایت را بدانیم و شکرانه این نعمت در سبیل خدا
 و طریق اطاعت بکشیم و در ایقاف اقدین و ثقبہ خالفین حسب بدیع و سعی و انی بجا
 ابریم و در راه تربیت نوع و تحصیل رضای محبوب سرار پائنا نسیم و شتافانہ بلویش
 قدم گذاریم، چه کہ پر تو انوار حق قدر را با تابش قمر نیر تقادوت لایحسی مشہود و دعیان
 است و فرق بی منتہا در بیان حضرت خلیل علیہ الطیب بہار و شب
 خدمت خلعت پوشید چنانکہ در شرح بعثت آن پیغمبر نازل گردیدہ قطر نظرہ فی انجم
 فقال انی نسیم، فلما اقل قال انی لا اُحِبُّ الا فلین فلما را می انصبر بار خاقان بنا
 ربی فلما اقل قال لا اُحِبُّ الا فلین و میعاد حضرت کلیم علیہ ازکی التحیۃ و الشمارد
 شب تمیل شد، کما قال خیر بن قال و وعدنا موسی ثلثین لیلۃ فاثمنا ما بعشر فتم بیقات
 ربہ اربعین لیلۃ. آثار ولادت حضرت روح، روح المقربین فداه شب ظاہر کرد
 چنانکہ بزرگان یزدان پرستان مجوس شرق و طلعت لیل نجم آن مولود ربانی
 را مشاهده نمودند، معراج حضرت خاتم النبیین و نزول روح الامین و شہ ان پسین

در لیه قد بر وقوع پیوست کما قال تبارک و تعالی سبحان الذی انشأ السموات
 لیلاً من المسجید الحرام الی المسجید الاقصی قال ایضاً و من اصدق من الله قیلاً انا
 انزلناه فی لیلته الفجر و ما اذینک مالیکه القدر لیلته الفجر و من اصدق
 شریک المثلکة و الروح فیما باذن ربهم من کل امر سلام بی حتی مطلع الفجر
 آیات قرآنی بترتیب از سوز زیر نقل شده است :

سوره الصفات آیه ۸۸ سوره الانعام آیه ۷۵ سوره الاعراف آیه ۱۴۲
 سوره الاسری آیه ۱ سوره الفجر آیه ۱

مکتوب نیکو گزارت ب محبوب عالم در این رساله استدلایه حضرت صدیق اکبر در منضم گوید